

و « کرشیش» هم نوشته‌اند و درجه ستوانی داشته‌است.

موسیو زطی^۱ معلم مهندسی که نام او را (ساتی) و (سطی) و (زاتی) و کولو (سطی) هم نوشته‌اند و در مرآت البلدان او را ایتالیایی ذکر کرده‌اند^۲ و درجه او سروانی بوده است.

موسونمیرو^۳ معلم سواره نظام که نام او را «نمرو» و «نمیرا» و «لمر» هم نوشته‌اند .

موسیو دکتر پولاک^۴ معلم طب و جراحی که خودش در کتاب «ایران: سرزمین و مردم آن» مأموریت خود را تدریس دواسازی نوشته است.^۵

موسیو چارنوتا^۶ معلم علم معدن که نام او را «کارنوتا» هم نوشته‌اند.

موسیو فو که تئ^۷ معلم دواسازی که در مراجع ایرانی نام او را بصورت «کوکاتی» «فتکی» «فتکی» و «فکاته» هم نوشته‌اند و او ایتالیایی بوده است.

در شماره ۴۲ روزنامه وقایع اتفاقیه بتاريخ پنجشنبه ۲۶ محرم الحرام ۱۲۶۸

راجع بورود این معلمین خبری بشرح ذیل انتشار یافته‌است.

«عالیجاه موسیو جان داود مترجم اول دولت علیه ایران که چندی قبل از این

مرخص و در این ضمن مأمور بود که بوینه پایتخت آستریه رفته از اعلیحضرت امپراطور ممالک آستریه چند نفر معلم صاحب منصب بخواهد و بیاورد، بر حسب

استدعای مشارالیه چند نفر معلم صاحب منصب معین و بهمراهی مشارالیه بدارالخلافة طهران روانه نموده و بخود مشارالیه نیز کمال التفات فرموده‌اند و اسامی معلمین

مزبور که بدارالخلافة آمده‌اند از اینقرار است» در پایان صورت نوشته است «موسیو کوکاتی معلم دواساز» و این خبر، فرض این را که «این شخص بعد از

ورود هیئت معلمین شش نفری بایران آمده باشد» سست میسازد هر چند که دکتر

۱- Zattie ۲- مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۴ ۳- Nemiro ۴- Dr. Polak

۵- امیرکبیر و ایران آدمیت ج ۱ ص ۱۸۲ ۶- Czarnotta یا Carnotta

۷- Fochettie تحریفات حاصله در اسامی این معلمین در ص ۸۱ و ۸۴ ج ۲ مرآت -

البلدان دیده میشود.

پولاک در کتاب خود نام او را ننوشته باشد. دلیل بر این که «کوکاتی» همان فو که تئ است، این است که در شماره ۹۹ وقایع اتفاقیه مورخ پنجشنبه ۱۲ ربیع الاول ۱۲۶۹ و شماره پیش از آن نوشته‌اند: «معلم علم طبیعی و دواسازی موسیو فتکی» و «شاگردان موسیو فتکی معلم فیزیک یعنی علم طبیعی و دواسازی» و باز در شماره ۴۱۱ پنجشنبه دهم جمادی الاول ۱۲۷۵ نوشته‌اند: «موسیو فتکی برای آوردن لابراتوار...» و در همه این اخبار تحریف نام نمایان است و شغل یکسان.

اما اینکه ذکر شده است که «کارنوتا» یا «چارنوتا» را امیر برای «عملیات کوهستانی» خواسته بود و او را بتدریس در معدن شناسی گماشتند و «هیچ معلوم

نیست که اعتمادالدوله چه رابطه‌ای بین عملیات نظامی در کوهستان و معدن شناسی فرض مینموده است که این دستور را داده» باید گفت که اولاً معلوم نیست مراد از

عملیات کوهستانی که دکتر پولاک نوشته عملیات نظامی باشد بلکه احتمالاً همان عملیات اکتشاف و استخراج معادن منظور بوده و در صورتی هم که امیر برای

جان داود نوشته معلم علم معدن ذکر کرده است. ثانیاً نمیتوان مدلل داشت که این تعیین مشاغل از طرف اعتمادالدوله صورت گرفته باشد.

افتتاح مدرسه - پس از ورود معلمین و پایان یافتن ساختمان شرقی مدرسه، از آغاز ماه صفر سال ۱۲۶۸ کارهای مقدماتی مدرسه شروع شد .

روز پنجم صفر ناصرالدین شاه « بنفس نفیس همایون برای تماشا و مشاهده وضع و طور مدرسه مزبوره تشریف فرما شدند . جناب مقرب الخاقان میرزا محمد

علی خان وزیر دول خارجه و عالیجاه مقرب الخاقان عزیز خان آجودانباشی و بعضی دیگر از اعیان دربار همایون که شرفیاب حضور مبارک بودند هر یک را

بمناسبت شغل و شأن خود بخطابات و فرمایشات ملوکانه متعلق بر انتظام عمل مدرسه و تعلیمات آنجا سرافراز فرمودند^۲

۱- امیرکبیر و ایران آدمیت ج ۱ ص ۱۸۲ ۲- وقایع اتفاقیه نمره ۴۴ پنجشنبه

۱۰ صفر ۱۲۶۸

ماه صفر بر رفع نواقص مدرسه گذشت و روز یکشنبه پنجم ربیع الاول ۱۲۶۸ سیزده روز پیش از قتل امیر کبیر، مدرسه بطور رسمی افتتاح یافت باین ترتیب که «..... یکصد نفر از شاهزادگان عظام و امراء واعیان و رجال دولت که برای تحصیل در این مدرسه منتخب شده بودند بتوسط میرزا محمد علی خان وزیر دول خارجه شرف اندوز خاک پای مبارک شده بعد از آن بمدرسه مبارکه که آمده بمیمنت شروع بتحصیل کردند و در این روز دارالفنون افتتاح یافت حسب الرسم تشریفات معمول عمل آمد و ابتدا علمی که شروع شد مشق پیاده نظام و مشق توپخانه و مشق سواره نظام و هندسه طب و جراحی و علم دواسازی و علم معدن بود.....»

سازمان مدرسه - دارالفنون نخستین مدرسه جدید دولتی ایران و دارای جنبه نظامی و در حقیقت یکی از موسسات درباری و بجهاتی مورد نظر شاه و سازمان آن بشرح زیر بود:

۱- سرپرستی و ریاست - در آغاز کار، چون معلمان اروپائی در دارالفنون تدریس میکردند و سروکار مأمورین اروپائی علی الرسم با وزیر امور خارجه بود، سرپرستی مدرسه نیز بعهده میرزا محمد علیخان شیرازی وزیر دول خارجه محول شد، چنانکه در روز افتتاح نیز وزیر خارجه طرف خطاب شاه و مأمور معرفی اشخاص بود - وزیر دول خارجه در ۱۸ ربیع الثانی ۱۲۶۸ در گذشت^۲ و پس از او بملاحظه اینکه جنبه نظامی مدرسه بر دیگر جنبه های آن برتری داشت سرپرستی مدرسه را به عزیزخان مکرری آجودانباشی کل نظام واگذار کردند و عبدالحسین خان فرزند علینقی خان آجودان از جانب او در اداره مدرسه نیابت داشت^۳ بعد از عزیزخان، میرزا محمد خان امیر تومان بریاست مدرسه منصوب شد^۴ و پس از او علیقلی میرزای اعتضاد السلطنه فرزند فتحعلی شاه^۵ و پس از او رضاقلی خان

۱ - مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۱ - ۲ همان مدرک ص ۱۰۳ - ۳ همان مدرک ص ۸۳
۴ - همان مدرک ص ۱۱۷ - ۵ - همان مدرک ص ۲۱۵

هدایت^۱ و پس از او پسرش علیقلی خان مخبرالدوله^۲ و در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه هم جعفر قلیخان مخبرالملک^۳ برادر مخبرالدوله بریاست مدرسه تعیین شد.

۲- نظامت - نظامت مدرسه در آغاز با رضاقلیخان هدایت الله باشی و انتخاب او مخصوصاً بمیل ناصرالدین شاه بود چه او را بجهت اینکه محمد شاه وی را لله عباس میرزا فرزند خود قرار داده بود مردامینی میدانست^۴ رضاقلی خان مدت هجده سال ناظم و رئیس دارالفنون بود و در زمان ریاست او پسرش جعفر قلیخان نظامت مدرسه را داشت، و پس از او یکی از فارغ التحصیل های مدرسه بنام محمد حسین خان ولد محمد حسنخان اصفهانی باین سمت منصوب شد.^۵

۳- اعضاء اداری - اعضاء اداری مدرسه بجز رئیس و ناظم عبارت بودند از: کتابدار، آجودان، مباشر، مستوفی، ناظر، روزنامه نویس، مؤذن و عده ای قراول و فراش. این عده برای اداره مدرسه لازم بود زیرا مدرسه جنبه نظامی داشت. از طرف دولت بعموم محصلین مواجب و لباس و ناهار داده میشد^۶. مباشر و مستوفی مدرسه در آغاز کار میرزا یوسف لشکر نویس از مستوفیان نظام بود که سالها در این سمت خدمت میکرد^۷. روزنامه نویس مدرسه «میرزا تقی^۸» ناظر آن «حاجی علی^۹» و بعداً «میرزا محمد^{۱۰}» و مؤذن آن «سید جواد» نامی بود^{۱۱}. کارهای کتابداری و آجودانی مدرسه در ابتدا با علیقلی خان پسر رضاقلی خان هدایت، از محصلین کلاس توپخانه مدرسه (مخبرالدوله بعدی) محول شد^{۱۲} پس از او محمد حسین خان اصفهانی سابق الذکر^{۱۳} و بعد از او محمد تقی میرزا فرزند شاهزاده شیردل میرزا

۱- روزنامه دولت علیه ایران نمره ۵۰۲ بتاريخ ۱۹ ربیع الثانی و ظاهر آیه نیابت از طرف علیقلی میرزا بوده است چه در جلد دوم مرآت البلدان صفحه ۸۱ قید شده است که بعد از مراجعت از خوارزم به نیابت وزارت علوم و ریاست مدرسه مبارکه دارالفنون نایل و مدت هجده سال با کفایت تمام و درایتی عالی بمزاوت این عمل برقرار بود. ۲- خاطرات و خطرات ج ۱ ص ۷۵ - ۳- مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۲ - ۴- خاطرات و خطرات ج ۱ ص ۸۶ - ۵- مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۲ - ۶- سه سال در دربار ایران دکتر فووریه ترجمه مرحوم اقبال ص ۱۲۹ - ۷- منتظم ناصری ج ۳ ص ۳۸۱ - ۸- روزنامه دولت علیه ایران نمره ۵۰۲ - ۱۹ ربیع الثانی ۱۲۷۸ - ۹- امیر کبیر و ایران آدمیت ج ۱ ص ۱۹۲ - ۱۰- روزنامه دولت علیه ایران نمره ۵۰۲ - ۱۳ و ۱۲ - مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۲

بآجودانی مدرسه منصوب شدند^۱. فراشان مدرسه جزو اداره حاجب الدوله فرشباشی محسوب میشدند و قراولان از طرف فوج قراولار که تعیین میگشتند^۲. علاوه بر این عده، برای ارتباط با معلمین اروپائی که زبان فارسی نمیدانستند، میرزا عبدالوهاب محرم یزدی، از شاگردان مدرسه، بعنوان مترجم انتخاب شد^۳، معلمین نیز هر کدام مترجم علیحده ای داشتند.

وسائل و روش کار مدرسه - مدرسه چنانکه گفته شد از مؤسسات دیوانی و درباری بود و از جهت تعطیل و وقت کار و شرکت در سلام اعیاد و سایر تشریفات از رسوم دربار تبعیت میکرد^۴، در ماه رمضان (بمناسبت روزه داری) و محرم و صفر (بجهت تعزیه داری و سوگواری) مدرسه غالباً تعطیل بود و در ایام تابستان هم باختلاف مدت گرما تعطیلاتی داشت و از اینرو مدت تحصیل سالیانه از نه ماه کمتر بود، اما در مقابل گاهی در این تعطیلات، تکالیفی برای محصلین معین مینمودند. ساعت کار مدرسه از هشت صبح تا سه بعد از ظهر بود و محصلین ناهار را بخرج مدرسه در مدرسه صرف میکردند^۵ و از باب احترام شعائر مذهبی، نماز ظهر و عصر را در مدرسه به پیشنهادی شیخ صالح معلم عربی و فارسی مدرسه بجا می آوردند^۶.

هر سال سه مرتبه از شاگردان مدرسه امتحان میشد و غیر از معلمین کسانی مانند علیقلی میرزای اعتضاد السلطنه و حاج فرهاد میرزای معتمد الدوله یا ملاعلیمحمد اصفهانی ریاضی دان و منجم مشهور آن عصر نیز برای امتحان کردن بدمدرسه می آمدند^۷. در نوبت سوم پس از پایان امتحانات، شاه بدمدرسه می آمد و سلام مخصوص تشکیل

۱ - مرآت البلدان ص ۸۳ ۲ - امیر کبیر و ایران آدمیت ج ۱ ص ۱۹۲

۳ - مقالات آقای محیط طباطبائی ۴ - همان مرجع و کروزن باین شرح « ۰۰۰ اعیاد و ایام متبرکه مثلاً در عید نوروز ۱۷ روز. در رمضان ۳۲ روز در محرم ۱۵ روز. در تابستان ۶۰ روز. از کتاب ایران و سؤالات ایران نسخه خطی کتابخانه مجلس ۵ - سه سال در دربار ایران ص ۱۲۹ ۶ - مقالات آقای محیط طباطبائی - روزنامه وقایع اتفاقیه نمره ۱۲۹۸ - وقایع اتفاقیه نمره ۳۹۲ پنجمین ۹ محرم ۱۲۷۵

میشد. جریان امور مدرسه را باطلاع شاه میرسانیدند و بشاگردانی که در کار خود کوشا بودند علی قدر مراتبهم نشان نقره یا مس اضافه مواجب سالیانه میدادند و آنان که تنبلی کرده بودند در سلام عام مورد سرزنش واقع میشدند و گاهی کارشان بچوبکاری در روز سلام و اخراج از مدرسه و قطع مواجب میکشید^۱. معلمین و اعضای اداری مدرسه یا کسانی که در امتحان سوم کاری انجام داده بودند و همه باختلاف شخصیت، خلعت اضافه مواجب و حمایل و درجه و نشان می گرفتند^۲.

دروس علمی مدرسه در ابتدا بصورت تئوری بود اما پس از یکسال شاگردان طب و جراحی را در مدرسه بخانه که حسب الامر در بیرون دروازه ساخته... و اسباب لوازم آن را آماده کرده... بودند بردند و اولین آموزش بالینی آنها در آوردن سنگ مثانه بوده است که بوسیله دکتر پولاک و حکیم روس (ظاهر آطبیب سفارت روسیه) عمل شده است^۳. در سال ۱۲۷۲ نیز موسیوفو که تئوری معلم فیزیکی و شیمی و دواسازی به همراه فرخ خان امین الملك بفرنگستان رفت و وسایل يك آزمایشگاه مناسب با خود آورد و از آن تاریخ محصلین در آزمایشگاه نیز کار میکردند^۴.

در ماه صفر ۱۲۷۵ نیز چهار تن از شاگردان مدرسه که « در علم هندسه و مساحت تحصیل در نزد عالیجاه موسیو کریشس سر تیب توپخانه و معلم دارالفنون کرده » بودند یعنی « عالیجاهان محمد صادق خان قاجار سرهنگ توپخانه و مصطفی قلیخان یاور توپخانه و میرزا فتح الله پسر مقرب الخاقان نصیر الملك و عسکر خان برادر صاحب جمع را نواب مستطاب شاهزاده افخم اعتضاد السلطنه علیقلی میرزا... مأمور نمودند که رفته ارتفاع قصر مبارکه اقدس همایون را در نیاوران از سطح تهران و بعد از آن ارتفاع کوه دماوند و بعضی جاهای دیگر را مشخص نمایند... » و آنان نیز وظیفه خود را انجام و گزارش آن را بشاهزاده دادند^۵. علاوه بر اینها، عباسقلی

۱ - همان روزنامه شماره ۳۹۵ ۲ - همان مرجع و صورت انعامهای نقدی در آن هست

۳ - وقایع اتفاقیه نمره ۲۰۰۰ نودونهم ص ۲ ۴ - همان روزنامه نمره ۴۱۱ دهم جمادی الاولی

۵ - وقایع اتفاقیه نمره ۳۹۸ هفتم صفر ۱۲۷۵ ص ۳

خان دهبلی و محمدحسین خان اصفهانی و میرزا اسمعیل خان از شاگردان مدرسه در همان سال بتعیین ارتفاع کوه البرز رفتند و در مدت ده روز ارتفاع آن را مشخص نمودند^۱. بعلاوه در همان سال دونن از شاگردان مدرسه: محمد تقی خان مقدم و ذوالفقار بیگ محلاتی براهنمائی موسیو کربشش معلم توپخانه در ظرف سه ماه نقشه طهران را کشیدند و مقرر شد که بزودی «۱۲۰۰ عدد از این نقشه باسمه نمایند^۲» و شاگردان دیگر نیز در درس خود بکارهای عملی میپرداختند.

بودجه مدرسه - بنا بنوشته «لیدی شیل» بودجه دارالفنون در سال اول ۷۷۵۰ تومان بوده است^۳. بعدها بنسبت توسعه مدرسه بر بودجه آن هم افزوده گشت و مالیات ملایر و تویسرکان را بابت مخارج دارالفنون، و وزارت علوم (که توسعه چندانی نداشت) و تلگراف منظور کردند^۴ بنا بنوشته «کرزن» در سال ۱۳۰۷ قمری مخارج مدرسه سی هزار تومان بوده^۵ و بنا بگفته مؤلف تاریخ افضل در زمان مظفرالدین شاه تقریباً سالی بیست و پنج هزار تومان بمصارف این مدرسه میرسیده است^۶ از ارقام مخارج مدرسه یکی ناهار محصلین بوده است، دیگر مواجب و مقرری آنها، دیگر اضافه حقوق و انعامات و بالاخره لباس محصلین که سالی دودست بآنان داده میشد یکدست از جنس ماهوت در زمستان و یکدست از جنس «خارا» در تابستان و برای اینکه شاگردان شعب مختلف از هم ممتاز باشند، برای هر شعبه لباس مشخص و معینی قرار داده بودند^۷.

تأسیسات مدرسه - از تأسیسات متعلقه بدارالفنون یکی کارخانه شمع سازی بود، دیگر آزمایشگاه فیزیک و شیمی و داروسازی و دیگر چاپخانه مخصوص مدرسه. کارخانه بلور سازی و کاغذگری و ریسمان ریزی هم بمناسبت اینکه تحت

۱- وقایع اتفاقیه نمره ۴۱۱ - جمادی الاولی ۱۲۷۵ ص ۲ - ۲- وقایع اتفاقیه نمره ۴۱۱ جمادی الاولی ۱۲۷۵ ص ۲ - ۳- امیر کبیر و ایران آدمیت ج ۱ ص ۱۸۱
۴- مقالات آقای محیط طباطبائی - منتظم ناصری ج ۳ ص ۲۸۲ - ۵- ایران و سئوالات ایران نسخه خطی کتابخانه مجلس - ۶- کتاب افضل التواریخ خطی جلد دوم جزء ۲۷ و ۲۸ - کتابخانه مجلس - ۷- مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۱ روزنامه وقایع اتفاقیه نمره ۴۸

نظر علیقلی میرزا بود^۱ مورد استفاده کار و آموزش شاگردان مدرسه قرار گرفت. در سال ۱۲۷۸ یعنی ده سال پس از افتتاح مدرسه این کارخانه ها مشغول کار بوده است. ریاست کارخانه شمعی و بلور سازی و کاغذگری را میرزا حسن حکیم سامانی پسر قانلی شاعر معروف داشته و ریاست کارخانه ریسمان ریزی را باقرخان پسرهادی خان شیرازی^۲ و این هر دو در همان سال فارغ التحصیل شده بودند. در آزمایشگاه فیزیک و شیمی و داروسازی هم دواها و ترکیباتی از نوع سلفات دوزنگ، سلفات دوفر، اسیددوپوتاس، سترادوفر، نترادارجان و کربنا دوپتاس میساختند^۳. برای رسیدگی بامور بهداشتی شاگردان نیز طبیب مخصوصی معین کرده بودند^۴. بکتابخانه مدرسه نیز اشاره ای شده است و بطور کلی میتوان گفت که بتدریج در دارالفنون تا حد زیادی علم را بعمل نزدیک کردند بطوریکه در کلاس جغرافیا هم شاگردان نقشه لازم برای درس را خود بادست روی تخته سیاه می کشیدند^۵ در ساختن راهها بامهندس کاستگر اطریشی که در خدمت دولت ایران بود همکاری میکردند^۶. با پزشکان اروپائی معلم خود در درمان بیماران شرکت میکردند^۷ و از آن مهمتر در زمان تحصیل در مدرسه آنها که در رشته های مربوط به نظام بودند، در میدان مشق بتعلیم سربازان میپرداختند^۸ و با صاحب منصبان اروپائی همکاری داشتند و مهمتر از همه آنکه در زمان جنگ هرات بجهت جنگ هرات و فارس و خوزستان فرستاده شدند^۹ و در حدود مقتضیات علم و عمل را توأم داشتند.

زبان تدریس - با اینکه معلمین دارالفنون اطریشی و ایتالیائی بودند زبان تدریس دارالفنون فرانسه بود زیرا مترجم زبان اطریشی (آلمانی) در طهران

۱- مرآت البلدان ج ۲ ص ۲۸۲ - ۲- روزنامه دولت علیه ایران نمره ۵۰۲ نوزدهم ربیع الثانی ۱۲۷۸ - ۳- روزنامه وقایع اتفاقیه نمره ۱۰۲ ص ۱ و ۲ و ۳ با حفظ تعبیرات - ۴- امیر کبیر و ایران آدمیت ج ۱ ص ۱۹۲ - ۵- ایران و سئوالات ایران کرزن نسخه خطی مجلس - ۶- مرآت البلدان ج ۲ ص ۲۷۹ - ۷- مقالات گوناگون ص ۲۰۸ - ۸- وقایع اتفاقیه نمره نود و هشتم ربیع الاول ۱۲۶۹ ص ۱ و نیز نمره صد و پنجم همان روزنامه ص ۲ - ۹- وقایع اتفاقیه نمره ۳۹۲ نهم محرم ۱۲۷۵

آنروز بجز «آندره» خیاط اطریشی وجود نداشت اما مترجم زبان فرانسه متعدد بود، پنج تن محصلینی که زمان محمدشاه بفرانسه رفته و بازگشته بودند، ملک خان پسر میرزا یعقوب، حاج شیخ محسنخان، میرزا آقا، میرزا جعفر، محمد حسینخان قاجار، میرزا عبدالوهاب محرم یزدی و امثال اینها که یا در فرانسه و یا در ایران بزبان فرانسه آشناسده بودند میتوانستند احتیاجات دارالفنون را برآورند و در نتیجه علی رغم نظر امیر که گویا چندان حسن نظری نسبت بفرانسویها نداشت نفوذ زبان فرانسه از راه دارالفنون در تعلیمات ایران رسوخ یافت و روز بروز بیشتر شد و قریب هشتاد سال زبان رسمی تحصیلات و مطالعات خارجی مدارس ایران بود.

کلاسها - درسهای اساسی مدرسه عبارت بود از: مهندسی، دواسازی، طب و جراحی، توپخانه، پیاده نظام، سواره نظام و معدن شناسی^۲، شاگردان هر درس یا هر رشته کلاس خاصی داشتند که با هم همان درس خوانده میشد مثلاً «طاق مهندسی» و امثال آن. در این هفت شعبه علاوه بر دروس اختصاصی، دروس دیگری هم متناسب با همان شعبه تدریس میشد مانند تاریخ، جغرافیا، طبیعیات، ریاضیات و غیره^۳. در ابتدا زبان فرانسه هم جزو دروس اساسی بود ولی پس از آنکه شاگردان توانستند کم و بیش دروس معلمین اروپائی خود را بفهمند و معلمین هم اندکی بزبان فارسی آشنا شدند بازبان فارسی و عربی جزو درسهای «کمکی»^۴ محسوب گشت.

چنانکه گفته شد در سالهای اول هر يك از معلمین اروپائی يك تن مترجم ایرانی داشت که درسهای او را بشاگردان می فهماند.

محصلین هر کلاس بخصوص در اوائل کار غالباً در يك طبقه بودند و بعدها باختلاف قوه بدویاسه مرتبه تقسیم شدند و ترتیب اداره کلاس این بود که مرتبه اول را خود معلم مسئول اداره میکرد و مترجمین یا شاگردان برجسته بمحصلین مرتبه دوم و سوم درس میدادند. این شاگردان برجسته را عنوان «خلیفه درس» داده بودند و از جمله

۱- میرزا تقی خان امیر کبیر اقبال ص ۲۷۹ امیر کبیر و ایران آدمیت ج ۱ ص ۱۷۹

۲- وقایع اتفاقیه نمرة ۴۸ - ۳ - امیر کبیر و ایسران آدمیت ج ۱ ص ۱۹۰

۴- وقایع اتفاقیه نمرة ۳۹۵ شانزدهم محرم ۱۲۷۵

کسانیکه باین عنوان یاد شده اند یکی مرحوم ناظم الاطباء است «میرزا علی اکبر ولد حاجی میرزا حسن کرمانی که پس از فراغت از تحصیل مدتی خلیفه علم طب در مدرسه مبارکه بود»^۱ دیگر مرحوم میرزا خلیل خان اعلم الدوله ثقفی^۲. در امتحانهای سه ماهه و سالیانه شاگردانی که قابل بودند از مرتبه ای بمرتبه دیگر ارتقاء می یافتند.

هیات آموزشی مدرسه

الف- معلمین اروپائی - در آغاز کار معلمین عمده مدرسه اروپائی بودند و پس از چند سال ایرانیان تحصیل کرده بتدریج جای آنها را گرفتند ولی بهر حال هیچگاه مدرسه از معلم اروپائی خالی و مستغنی نبود. معلمین اروپائی مزبور عبارت بودند از:

۱- زطی - معلم حساب و هندسه، مترجم او ملک خان معروف پسر میرزا یعقوب جلفائی اصفهانی بود. زطی شاید بعلت آنکه مبتلا بامراض عصبی بود کمتر بمدرسه حاضر میشد و از اینرو ملک تقریباً بطور مستقل عهده دادر تدریس بود^۳ چه در شماره ۹۸ وقایع اتفاقیه مورخه پنجشنبه پنجم ربیع الاول ۱۲۶۹ ضمن گزارش کار مدرسه نوشته شده است که: «معلم هندسه عالیجاء میرزا ملکم است و بشاگردان مدرسه دودرس میگوید، یکی درس حساب و هندسه عام است که جمیع شاگردان میخوانند و یکی درس خاص است که بدوازده نفر شاگردان با استعداد مطالب عالیة هندسه را از قواعد محکمه و صنعت نقاشی و علم جغرافیا درس میگوید و خوب ترقی کرده اند.»

زطی قریب ۲۵ ماه در ایران بود و در روز جمعه ششم ربیع الثانی ۱۲۷۰ ناگهان در طهران در گذشت «چون فوت شدن مشارالیه ناگه بود و مرض او

۱- مرآت البلدان ج ۲ ص ۹۸ - ۲ - مقالات گوناگون ص ۲۰۴ - ۳ - مقالات آقای محیط طباطبائی

امتدادی نکشید... مقرر فرمودند که کل اطبای فرنگستان که در دارالخلافة مقیمند بروند و تشخیص بدهند که بچه علت فوت شده و از قراریکه اطباء فهمیده بودند از بخارذغال یا نفاهتی که در وجود او بوده خفه شده بود و موافق قاعده‌ای که اطبای فرنگستان دارند استشهاد نوشته و همه خط گذاشتند و بعد از آن حسب الامر همایون بقاعده نظام با کمال اعزاز و احترام او را در قبرستان کلیسای ارامنه در محله دروازه قزوین دفن نمودند^۱...

۲- بوهلر- پس از زطی موسیو بوهلر فرانسوی که از دیپلمه‌های مدرسه پلی تکنیک پاریس و از پائیز ۱۲۶۹ بطهران آمده بود معلم مهندسی مدرسه شد. این شخص در قشون فرانسه سابقه خدمت و در کار خود تجربیاتی داشت که برای شاگردان دارالفنون مفید بود^۲ بوهلر در جنگ هرات شرکت داشت و سپاهیان ایران کمک علمی و فنی مینمود و بدینجهت مورد تنفر سخت انگلیسی‌ها واقع شد بطوریکه «رالینسون» در ملاقات با امیر نظام گروسی مراتب تنفر دولت انگلیس را از او آشکارا اظهار داشت. بوهلر از داناترین و صدیقترین معلمین خارجی بود که در خدمت دولت ایران بودند. وی حساب و هندسه و جبر و مثلثات و نقشه کشی را تدریس میکرد. مترجم وی محمد حسین خان قاجار بود. بوهلر چند کتاب نیز نوشت که عبدالرسول خان اصفهانی و جعفر قلیخان هدایت ترجمه و چاپ کردند^۳. پس از آنکه افسران همراه فرخ خان امین الدوله که از فرانسه استخدام شده بودند بطهران رسیدند بوهلر از مدرسه بنظام منتقل شد و سالیانی دراز در قشون ایران با درجه سرتیپی خدمت مینمود^۴.

۳- نمبرك - جانشین بوهلر - موسیو نمبرك هموطن او بود. نام این شخص را در کتب ایرانی بصورت «بنزك» هم نوشته‌اند مترجم او ذوالفقار خان ولد رمضان بيك بود^۵.

۱- وقایع اتفاقیه نمرة ۱۳۸ هجدهم ذی الحجة ۱۲۶۹ ص ۱ - ۲ - وقایع اتفاقیه نمرة ۱۷۳ - ۲۷ شعبان ۱۲۷۰ ص ۲ - ۳ - امیر کبیر و ایران آدمیت ج ۱ ص ۱۸۷
۴- مقالات آقای محیط طباطبائی ۵ - روزنامه دولت علیه ایران نمرة ۵۰۲ ربیع الثانی ۱۲۷۸

۴- بارون گومونز - معلم پیاده نظام و او ظاهراً همان است که اعتماد السلطنه در باره وی نوشته است «بارون صاحب از اهل سویس که در خدمت دولت اطریش بود» وی چندان دل بستگی بکار خود نشان نداد و شاید علت این بوده است که انگلیس‌ها در استخدام کلنل متراتسوی ایتالیائی اصرار بسیار داشتند. گومونز تقریباً ۱۵ ماه در ایران بود و پیش از آنکه دوره دو ساله قرارداد او بیایان برسد از شاه اجازه گرفت و رفت. خبر بازگشت او در شماره ۱۰۷ پنجشنبه هشتم ماه جمادی الاولی ۱۲۶۹ وقایع اتفاقیه باین صورت آمده است: «عالیجاه بارون کومنس صاحب منصب دولت بهیه «اوستریا» که بوعده دو ساله خدمت باین مملکت آمده بود پیش از انقضای وعده متمسک بمعاذیر چند گردیده مستدعی رخصت شد. دولت علیه ایران هم از راه رعیت نوازی استدعای او را قبول و بعلاوه چند فقره انعام و احسان و مواجب ایام توقف تا روز مرخصی او پانصد تومان بصیغه انعام و شصت تومان قیمت یکطاقه شال خلعتی با یک قطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه دویم با عنایت کردند تا شاگرد و خشنود بوطن خود مراجعت نماید» مترجم بارون گومونز «میرزا زکی» یکی از پنج تن شاگردی بود که در سال ۱۲۶۰ پیاریس فرستاده شده بودند.

۵- کلنل متراتسو - بعد از بارون گومونز معلم پیاده نظام مدرسه شد، نام این افسر در کتابهای ایرانی «ماتلاتسو» هم نوشته شده است^۱. وی در رمضان ۱۲۶۸ بایران آمده و بسمت مربی سپاه ایران^۲ و معلم پیاده نظام و فن جنگ (تاکتیک) در دارالفنون انتخاب شده بود و علاوه بر تدریس بشاگردان عده‌ای از صاحبمنصبان و امراء لشکر را نیز تعلیم می‌داد^۳. دو کتاب نیز در فن جنگ نوشت که در میان شاگردان دارالفنون توزیع شد. ظاهراً همین شخص است که بنام «قولونل ایتالیائی» برای استخدام او بین امیر کبیر و کلنل شیل سفیر انگلیس گفتگوئی بوده و امیر با آسانی باین کار تن در نمیداده است^۴. مترجم کلنل متراتسو عبدالحسین خان ولد

۱- مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۳ - ۲- همان مدرک ص ۸۴ - ۳- وقایع اتفاقیه نمرة ۷۳ ششم رمضان ۱۲۶۸ ص ۲ - ۴- وقایع اتفاقیه نمرة ۱۰۳ ص ۳ - ۵- امیر کبیر و ایران آدمیت ج ۱ ص ۱۵۲ - ۱۵۴

اعتماد السلطنه بود و پس از او خود معلم پیاده نظام شد.^۱

۶- پشه^۲ - معلم پیاده نظام او نیز در رمضان ۱۲۶۸ بایران آمده و مانند مترانسواز اهل ایتالیا و مورد حمایت سفارت انگلیس بوده است.^۳ پشه مدتی در دارالفنون معلم پیاده نظام بود و بعداً امور تعلیم افواج کرمانشاه شد. نام او را بصورت «پشین صاحب» هم نوشته اند.

۷- آندره-نی- معلم پیاده نظام، او نیز از اهل ایتالیا و مانند دو همکار سابق خود بود و با آنها در رمضان ۱۲۶۸ بایران آمد و بسمت معلم دارالفنون انتخاب شد.^۴ ولی اعتماد السلطنه او را از معلمین واسط یاد کرده است در صورتیکه پشه را معلم قدیم نوشته است.

۸- گراف گراچای- یا بتعبیر روزنامه وقایع اتفاقیه «کانت قراچای» صاحب منصب مهندس قابل از دولت «آستریه» که مدتی در قشون آن دولت خدمت کرده بود (در پاییز سال ۱۲۶۹) بدربار همایون آمده و نوزده نفر از شاگردان قابل با ذهن و ذکاوت بمشارالیه سپردند. وی طرز کشیدن نقشه های نظامی را با آنها تعلیم میداد و ظاهر آدرس او باعث شد که ملکم کتابی در این موضوع ترجمه نماید.^۵

۹- پتی^۶ - فرانسوی جزو افسران همراه فرخ خان امین الدوله بود و او نیز سمت معلمی پیاده نظام دارالفنون را داشت.^۷

۱۰- وت^۸ - آلمانی بود و در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه برای تدریس پیاده نظام استخدام شد و مترجم او حاجی منبر السلطنه هدایت بوده است.^۹

۱۱- کرزیز- یا کریشش معلم توپخانه و حساب و هندسه و جغرافیا و تاریخ جنگهای^{۱۰} معروف و اصلاً اطریشی بود. این شخص پس از گذشتن مدت قرارداد اولی

۱ - مرآت البلدان ج ۲ ص ۹۲ - ۲ - Pesce - ۳ - امیر کبیر و ایران آد، بیت ج ۱ ص ۱۵۴ - همان مرجع و مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۳ - ۵ - وقایع اتفاقیه نمره ۱۷۳ پنجشنبه ۲۷ شعبان ۱۲۷۰ ص ۲ - ۶ - Petit - ۷ - مقالات آقای محیط طباطبائی - ۷ - Wet - ۹ - خاطرات و خطرات ج ۱ ص ۷۳ - ۱۰ - وقایع اتفاقیه نمره ۹۸ ربیع الاول ۱۲۶۹ ص ۱ و امیر کبیر و ایران آدمیت ص ۱۸۶

باز هم سالها در ایران ماند و بارها مورد توجه ناصرالدین شاه قرار گرفت و با و انعام و خلعت داده شد. تأسیس اولین دستگاه تلگراف در مدرسه دارالفنون و سپس بین باغ لاله زار و عمارت سلطانی از کارهای اوست.^۱ مترجم او میرزا زکی سابق الذکر پسر حاجی میرزا مقیم مازندران علی آبادی بود که بعداً بمقام سرهنکی توپخانه رسید.^۲

در سال ۱۲۶۹ که ناصرالدین شاه بسلطانیه رفته بود و بیماری و بادر طهران شیوع داشت کرزیز که در شمیرانات بود از آمدن بشهرا کراه داشت پس بدستور اردشیر میرزا حکمران طهران او را در کاخ نگارستان منزل دادند تا در سر کار خود و تعلیم متعلمین دارالفنون حاضر باشد.^۳ کرزیز در سال ۱۲۷۴ بمنصب سر تپپی نائل گردید.^۴

۱۲- نیکلا- فرانسوی و از صاحب منصبان همراه فرخ خان امین الدوله بود و در دارالفنون سمت معلمی توپخانه را داشت. «موسیو نیکلا» بواسطه دیکیونر فرانسه بفارسی که بکمک نظر آقا وزیر مختار ایران در پاریس تدوین و تألیف کرده معروف میباشد.^۵ ولی مرحوم عبرت نائینی تألیف دیکیونر نیکلا را از میرزا نصرالله بهار شیروانی می داند که نیکلا قنصل فرانسه در تبریز (که معلوم نیست همین شخص باشد) آن را بقیمت جزئی خریده و در پاریس بنام خود چاپ کرده است. (رجال ایران ج ۴ ص ۳۵۰)

۱۳- فلمر^۶ - پروسی و افسر توپخانه و معلم این علم در دارالفنون بود. فلمر در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه استخدام شد - وت که معلم پیاده نظام بود زودتر رسید و زودتر در خدمت مشغول شد و فلمر سال بعد بایران آمد گویا تاریخ اشتغال آن دو سال ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ بوده است.^۷

۱۴- نمیرو- اطریشی و معلم سواره نظام و مترجم او «آندره» خیاط اطریشی بود. در مدرسه پنج نفر شاگرد بیشتر نداشت اما سیصد نفر بجهت او معین کرده بودند که با صاحب منصبان سواره هر روزه در بیرون دروازه آنها را تعلیم بدهد.^۸

۱ - وقایع اتفاقیه نمره ۳۷۲ پنجشنبه دوم شعبان ۱۲۷۴ ص ۱ - ۲ - مرآت البلدان ج ۲ ص ۲۲۶ - ۳ - وقایع اتفاقیه نمره ۱۳۸ پنجشنبه ۸ ذی الحجه ۱۲۶۹ ص ۱ - ۴ - مرآت البلدان ج ۲ ص ۲۲۰ - ۵ - مقالات آقای محیط طباطبائی - ۶ - Felmer - ۷ - تحولات سیاسی نظام ایران ص ۸۸ - ۸ - وقایع اتفاقیه نمره نود و هشتم ربیع الاول ۱۲۶۹ ص ۱

نمیر و نیز مدت‌ها پس از گذشتن مدت قرار داد اول در ایران ماند^۱.

۱۵- چارنوتا- معلم معدن شناسی و مترجم او در ابتدا میرزا رضای کاشانی از پنجنفر محصل اعزامی دوره محمد شاه بفرانسه بود^۲ و بعداً میرزا آقای تبریزی بجای او انتخاب شد^۳. چارنوتا بعد از دو ماه از تعلیم شاگردان خود مأمور بیازدید معادن شد و شاگردان خود را همراه برد^۴. «وی در ماه ربیع الثانی ۱۲۷۰ پس از آنکه «نزدیک بیگ ماه بود که ناخوش بود و نوبه غش داشت» در گذشت و «حسب الحکم همایون بقاعده نظام او را ... با کمال احترام در همان قبرستان کلیسای آرامنه مدفون کردند»^۵. پس از او مدرسه مدت‌ها معلم معدن شناسی نداشت تا اینکه معلمی از فرانسه استخدام کردند.

۱۶- وویلیه^۶ - این معلم معدن شناسی موسیو وویلیه مهندس معدن و فارغ-التحصیل مدرسه سنت اتین بود^۷ که بقول دکتر فورویه «دارای ملکاتی فاضله و در راه ایفای بوظیفه جاهد بود»^۸.

۱۷- مسترها و گستر - که در جلد سوم منتظم ناصری در ضمن ملحقات و در قسمت دارالفنون نام او با سمت معلم معدن ثبت شده است^۹.

۱۸- دکتر پولاک - عملاً معلم طب و جراحی بود ولی خودش سمت خویش را دواسازی نوشته است^{۱۰} و ظاهراً استخدام او هم بعنوان معلم دواسازی و یا حکمت که مجموعه معلومات طبی آن عصر بوده صورت گرفته بوده است. وی از همه همکاران خود در ایران معروفتر بود زیرا بدستگیری شاگردان خود یک رشته مؤلفات طبی از خود بیادگار گذارد که معرف همیشگی اوست. دکتر پولاک در سال ۱۲۷۲ قمری پس از مرگ «دکتر کلو که» و پیش از استخدام «دکتر طولوزان» طبیب مخصوص

۱- مقالات آقای طباطبائی ۲- وقایع اتفاقیه نمره نود و هشتم ص ۱ ۳- امیر کبیر و ایران آدمیت ج ۱ ص ۱۸۷ ۴- وقایع اتفاقیه نمره نود و هشتم ص ۱ ۵- وقایع اتفاقیه نمره ۱۵۶ بیست و ششم ربیع الثانی ۱۲۷۰ ص ۲ ۶- Vauvillier ۷- Sainte-Etienne ۸- سه سال در دربار ایران ص ۱۲۹ ۹- منتظم ناصری ج ۳ ملحقات ص ۴۳ ۱۰- امیر کبیر و ایران آدمیت ج ۱ ص ۱۸۲

ناصرالدین شاه نیز بود^۱ و پس از ده سال اقامت در ایران بوطن خود بازگشت و کتابی درباره ایران نوشت بنام «ایران، سرزمین و مردم آن»^۲ علاوه بر این کتاب مقالات و رساله‌های مفید دیگری نیز راجع بایران انتشار داده است. مترجم او محمد حسین خان قاجار بود^۳. دکتر پولاک برای نخستین بار در سال ۱۲۷۴ قمری تخم چغندر قند را بایران آورد و در مقام ترویج کشت آن برآمد^۴.

دکتر پولاک پس از رفتن از ایران یک بار دیگر نیز در شعبان ۱۲۹۹ به ایران آمد. اعتماد السلطنه در این باره مینویسد (خاطرات ... ص ۱۹۷) «شبه ۷ شعبان ۱۲۹۹ ... حکیم پولاک که تازه آمده است دیده شد... بیست و دو سال است که از ایران رفته بود. تازه آمده است بجهت بعضی اکتشافات تاریخی ... باتفاق طولوزان و حکیم پولاک اقدسیه رفتیم. شاه آمدند. با حکیم پولاک خیلی مهربانی کرد [ند] ...» پولاک یهودی بود و فارسی را هم خوب فرا گرفته بود (خاطرات اعتماد السلطنه ص ۷۴۰).

۱۹- دکتر شلیمر^۵ - اصلاً هلندی و از بهترین و معروفترین طبیبان اروپائی است که تا آن زمان بایران آمده و بدولت ایران خدمت کرده بودند. دکتر شلیمر پیش از تأسیس دارالفنون بایران آمد و چندی در رشت مقیم بود و در نواحی طالش بمطالعه و معالجه مرض جذام اشتغال داشت^۶ و در سال ۱۲۶۷ کوساله دوسری را در رشت تشریح کرد^۷ پس از آنکه دکتر پولاک طبیب مخصوص ناصرالدین شاه شد از دکتر شلیمر برای تدریس طب در دارالفنون استفاده نمودند و او بکمک شاگردان خود کتبی چند در طب نوشت و بچاپ رسانید که از کتب ممتاز فن طب در ایران میباشد.

علاوه بر تدریس پزشکی ظاهراً شلیمر که از شیشه‌سازی هم سر رشته داشته

۱- مرآت البلدان ج ۲ ص ۱۸۱ ۲- امیر کبیر و ایران آدمیت ج ۱ ص ۱۸۸ ۳- وقایع اتفاقیه نمره نود و هشتم ۵ ربیع الاول ۱۲۶۹ ص ۱ ۴- وقایع اتفاقیه نمره ۳۷۴ پنجمین ۱۶ شهر شعبان ۱۲۷۴ ص ۸ ۵- Schlimmer ۶- مجله جهان پزشکی س ۱۲ ش ۴ ۷- مرآت البلدان ج ۲ ص ۶۸

است میخواست است با وسائل ساده در ایران بلور بسازد ولی ظاهراً توفیق پیدا نکرده و در باره او گفته شده است :

ای شلیمر يك زمان در کار خود اندیشه کن

گر نمیگردد بلور این کوره آن راشیشه کن^۱

دکتر شلیمر تا سال ۱۲۸۳ قمری معلم طب دارالفنون بود و پس از او میرزا رضای دکترا از محصلین ایرانی که در فرانسه تحصیل کرده و دکترا شده بود باین سمت منصوب شد و شلیمر آزادانه بطبابت مشغول گشت^۲.

۱۹- دکتر آلبو^۳ - در سال ۱۳۰۰ که علیقلی خان مخبرالدوله وزیر علوم از مسافرت برلن باز میگشت، وی را بعنوان معلم طب با خود آورد و او تا سال ۱۳۰۸ عهده دار تدریس طب فرنگی در دارالفنون بود و دکتر خلیل خان (اعلم الدوله و ثقفی بعد) سمت خلیفگی او را داشت. با آمدن دکتر آلبو شعبه طب دارالفنون از نورونقی گرفت.

۲۰- دکتر بازیل - از ارامنه تحصیل کرده انگلستان بود و پس از آلبو بسمت معلم طب جدید دارالفنون منصوب گشت و تا زمان جنگ بین الملل اول باین کار اشتغال داشت. دکتر بازیل انگلیسی مدرسه را نیز تدریس مینمود.

۲۱- دکتر ژرژ - طبیب و معلم امراض داخلی که در سال ۱۳۲۳ هجری قمری بوسیله مرحوم علاءالملک وزیر علوم و معارف برای تدریس در دارالفنون استخدام شد.

۲۲- دکتر گاله^۴ - معلم جراحی دارالفنون که او نیز باتفاق دکتر ژرژ استخدام شد و بایران آمد و این هر دو مردانی دانشمند و قبلاً معلم مدرسه طب نظامی لیون بودند. دکتر گاله خیلی خوب نقاشی میکرد و چون تشریح توصیفی درس میداد این هنر او به پیشرفت شاگردان خیلی کمک مینمود.

۱- خاطرات و خطرات ج ۱ ص ۸۱ ۲ - مجله جهان پزشکی س ۱۲ ش ۴

۳ - Albu از شرح مربوط به دکتر آلبو تا فوکه تی مأخوذ است از راهنمای دانشکده پزشکی بهمن ۱۳۳۲ صفحات ۵۱ و ۵۲ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۷ - ۴ - Gualet

۲۳- دکتر گاشه^۱ - پس از رفتن دو طبیب مذکور برای معلمی امراض داخلی مدرسه استخدام شد.

۲۴- دکتر دوشن^۲ - او نیز باتفاق دکتر گاشه و برای معلمی امراض خارجی بایران آمد و این دو پس از مدت کمی با شروع جنگ بین الملل اول بفرانسه باز گشتند.

علاوه بر اینها دکتر طولوزان^۳ نیز که طبیب مخصوص ناصرالدین شاه و تا آخر عمر در ایران بود سمت سرپرستی رشته طب را داشت^۴ و بعد از او «دکتر شنیدره»^۵ نیز این هر دو سمت را یافت وی تا سال ۱۹۰۷ میلادی (۱۳۲۵ هجری قمری) و مدت ۱۴ سال در ایران بود، وی گزارش مربوط به برنامه و اساس مدرسه طب را بعرض شاه رسانید و وسایل استخدام دکتر ژرژ و دکتر گاله را فراهم آورد^۶.

و نیز در حدود اوایل این قرن «دکتر اتولد»^۷ را که از شاگردان «دکتر کالزوسکی» چشم پزشک معروف بود برای معالجه چشم یکی از اشراف^۸ بایران دعوت کردند و بعد مقرر گردید که علاوه بر خدمت در بیمارستان، در دارالفنون هم تدریس نماید و کسانی چون مرحوم دکتر لسان الحکمای شمس و دکتر حسین خان کحال، و دکتر مهذب السلطنه بهرامی و دکتر امین الملک مرزبان و دکتر محمود خان شیمی از شاگردان آن کلاس بودند^۹.

از محرم ۱۳۳۷ ه. ق (آبان ۱۲۹۷ ه. ش) رشته طب از دارالفنون جدا شد^{۱۰} و بصورت مدرسه ای مستقل در آمد و چون بحث از آن خارج از موضوع مانحن فیه است از آن صرف نظر میشود.

۱- Gachet - ۲ Duchesne - ۳ Tholozan - ۴ - روزنامه دولت

علیه ایران نمره ۵۰۲ ربیع الثانی ۱۲۷۸ - ۵ - Schneider - ۶ - تعالیم پزشکی

صد ساله فرانسویان در ایران. دکتر محمود نجم آبادی ص ۱۷ - ۷ - Ratulde

۸- ظاهر آظل سلطان پسر ناصرالدین شاه که يك چشمش معیوب بود - ۹- راهنمای دانشکده

پزشکی بهمن ۱۳۱۲ ص ۵۱ - ۱۰- راهنمای دانشکده پزشکی بهمن ۱۳۱۲ ص ۶۷

۲۵- فو که تی - معلم طبیعیات و مترجمش میرزا رضای کاشانی سابق الذکر بود.^۱ وی فیزیک و شیمی و دواسازی درس میداد و تا سال ۱۲۷۲ غالباً از روی نقشه و تصویر مطالب را بشاگردان می‌آموخت زیرا آزمایشگاهی در مدرسه وجود نداشت اما بشرحی که گفته شد وی با فرخ‌خان امین‌الملک باروپارفت و آزمایشگاهی برای مدرسه خرید و با خود آورد و ظاهراً آزمایشگاه خوبی هم بوده است چه دکتر فووریه درباره آن مینویسد: لایبراتورهای خوبی در دسترس شاگردان هست تا بتوانند از علم بعمل بپردازند...»^۲

فو که تی تا سال ۱۲۷۹ در ایران بود چه در روزنامه دولت علیه ایران نمره ۵۲۳ پنجشنبه ۱۴ ذی‌الحجه الحرام ۱۲۷۸ خبر ذیل درباره او درج شده است: «موسیو فوکتی ایتالیائی معلم علم فیزیک و شیمی که سالها در دربار دولت علیه مشغول خدمت و آموختن علوم مزبور بود این اوقات وعده خدمت او منقضی گشته اذن ترخص از دربار همایون حاصل کرد لیکن چون بعضی از عمل کارخانه شمعی ناقص مانده بود بطور اتم واکمل بشاگردان خود نیاموخته بود و با وجود انقضای مدت خدمت دو ماه دیگر نیز در دارالخلافه الباهره ماند که عمل کارخانه شمعی را بالتمام بیاقرخان شاگرد خود آموخته پس از انجام این خدمت اخیر با ایتالیا معاودت نماید.»

۲۶- روکبرون^۳ - وی در سال ۱۳۱۳ هـ - ق و بمعرفی دکتر طولوزان برای تدریس فیزیک و شیمی دارالفنون استخدام شد و تا ۱۳۱۶ عهده دار تدریس این قسمت بود و پس از او «مولیون»^۴ نامی که در تهران داروخانه‌ای داشت کار او را بعهده گرفت تا اینکه معلمین تازه‌ای از فرنگ استخدام کردند این معلمین تازه یکی «المر»^۵ بود دیگری «دانتون»^۶

۲۷- المر - فرانسوی و تا اواخر دوره قاجاریه معلم فیزیک و شیمی دارالفنون بود و بقول هموطنش (رتنه‌المانی) این مرد دانشمند فرانسوی سالهای زیاد با تسلط

۱ - وقایع اتفاقیه نمره نود و هشتم ص ۱ - ۲ - سه سال در دربار ایران ص ۱۲۹
 ۳ - Roquebron - ۴ - Maulion - ۵ - Olmer - ۶ - Danton و بصورت Dantan هم نوشته شده است

کامل فیزیک و شیمی را در دارالفنون طهران تدریس میکرد. وی رساله‌ای تحت عنوان «گزارش هیئت علمی در ایران» نوشته و منتشر نموده است که نتیجه چندین سال تفحصات او است و اوضاع صنعتی ایران را در آغاز قرن بیستم بخوبی مجسم مینماید.^۱

۲۸- دانتون - وی و المر و دکتر ژرژ و دکتر گاله باهم استخدام شدند و دانتون برای تدریس علوم طبیعی در نظر گرفته شده بود.

۲۸- لبلان^۲ - این شخص در سال ۱۲-۱۹۱۳ برای تدریس طبیعیات استخدام شد.

۳۰- لاتس^۳ - او نیز در همان سال و بعنوان معلم فیزیک و شیمی با استخدام دولت ایران در آمد ولی این هر دو بعلت ارتکاب جنایتی در ایران مورد تعقیب قرار گرفتند و از طرف سفارت فرانسه بکشور خود بازگردانیده شدند.

۳۱- مونت^۴ و ۳۲- اودیثیه^۵ - نخستین معلم گیاه‌شناسی و دومی معلم فیزیک بود. اودیثیه بموجب قانون مصوب ۲۸ حمل ۱۳۰۲، در تاریخ ۲۱ قوس ۱۳۰۱ برای مدت سه سال با حقوق سالیانه ۵۰۰۰ تومان استخدام گردید^۶ ولی گویا بیش از این مدت در ایران ماند چه آقای دکتر نجم‌آبادی در سخنرانی خود گفته‌اند که: «... وی در طی مدت پنج‌شش سال که در ایران در دارالفنون و مدرسه طب بتدریس اشتغال داشت بامنتهای کوشش خدمات صادقانه و ارزنده را انجام داده است...»^۷ بموجب سندی دیگر حقوق ماهیانه او ۴۲۰۰ قران بوده و در جمادی‌الاولی ۱۳۴۴ کنترالتش منقضی شده است.^۸

۳۳- ریشارد - موسیو ژول ریشارد که پیش از این بطور اجمال ترجمه احوال

۱ - سفرنامه رنه‌المانی ترجمه فره‌وشی ص ۱۲ و ۱۳ - ۲ - Leblan - ۳ - Latess
 ۴ - Odigier - ۵ - Mont - ۶ - از شرح مربوط به روکبرون تا اینجا مأخوذ است از راهنمای دانشکده پزشکی بهمن ۱۳۳۲ صفحات ۵۹ و ۶۰ و ۶۸ و ۶۹ - ۷ - تعالیم پزشکی صد ساله فرانسویان در ایران آقای دکتر محمود نجم‌آبادی ص ۲۴ و صفحه مقابل آن
 ۸ - راهنمای کتاب سال ۱۱ ش ۵ ص ۲۶۱

او نوشته شد، معلم فرانسه دارالفنون بود و تاپایان عمر خود باین کار اشتغال داشت. مترجم ریشارد (که در ایران ریشاردخان خوانده شده) میرزا عبدالوهاب یزدی متخلص بمعجم بود که بدستور ریشارد خان فرهنگی از فرانسه بفارسی ترجمه نموده است.^۱

۳۴. هوری. در جلد دوم مرآت البلدان صفحه ۸۴ از شخصی بنام «موسیو هوری بلژیکی» نام میبرد که از قدیم معلم زبان فرانسه دارالفنون بوده است لیکن هویت این شخص کاملاً روشن نشده است و احتمال می رود که صورتی از تحریف نام «هوسه» فرانسوی باشد که به همراه فرخ خان امین الملک جزو معلمین فرانسوی بایران آمد و معلم پیاده نظام بود.^۲

۳۵. پش. موسیو پش فرانسوی و جزو افسران همراه فرخ خان امین الملک کاشانی و معلم زبان فرانسه بوده است^۳ و او را با پشه ایتالیائی نباید اشتباه کرد و در مرآت البلدان هم نام آنها را در دو جا و بصورت دو نفر نوشته است.

۳۶. بروسکی. این شخص پسر «ایزیدور بروسکی» است که از نجباء لهستان بود و در زمان عباس میرزا بایران آمد و در ایران ماند و در جنگ هرات کشته شد. صاحب ترجمه دارالفنون معلم زبان فرانسه و جغرافیا بود و خانواده او نیز در تهران ساکنند.^۴

۳۷. گاژرپلو. از ایتالیائی های مهاجر و از معلمین قدیم دارالفنون که در آن مدرسه نقاشی تعلیم میداد.^۵

۳۸. تیلر. معلم زبان انگلیسی بود و در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه در آن مدرسه تدریس مینمود.^۶

۱- امیر کبیر و ایران آدمیت ج ۱ ص ۱۸۸، ۲- وقایع اتفاقیه نمره ۴۳۰ رمضان ۱۲۷۵ ص ۲۳ - مقالات آقای محیط طباطبائی - ولی در صحت نام این شخص تردید است چه جزو معلمین مدرسه موسیومشن نامی هم بوده است که ممکن است همین شخص باشد
۴- مجله یادگار س ۵ ش ۱ و ۲ ص ۳۰ - ۵- مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۴ - ۶- ملحقات مرآت البلدان ج ۳ ص ۴۱

۳۹. کنستان - فرانسوی بود و به همراه دو دختر خود که دو تن از محصلین اعزامی زمان ناصرالدین شاه آنها را گرفته بودند با خانواده خود بطهران آمده بود. تخصص وی نقاشی روی ظروف چینی بود و چون امکان کار او در طهران نبود در دارالفنون بسمت معلم نقاشی پذیرفته شد و تا آخر عمر بدین سمت اشتغال داشت (۱۲۸۸)^۱ و بجای او میرزا علی اکبر خان کاشانی نقاش باشی (مزرین الدوله) معلم نقاشی مدرسه گشت.

۴۰. لومر - موسیو لومر فرانسوی و معلم موسیقی بود و در اواخر عهد ناصرالدین شاه در دارالفنون خدمت مینمود.^۲ اعتماد السلطنه میگوید وی داماد طولوزان بوده و در مورد خریدن وی با گرفتن امتیاز برای انگلیس ها کار میکرده است (ص ۷۸۳ خاطرات...) جای دیگر میگوید (ص ۱۱۸۴) «لومر هوزیکانچی... هوزیکانچی گری را ترك کرده سالی سه چهار هزار تومان از دولت جیره و مواجب میگیرد و برای خود تجارت مینماید...» خود یاپس این شخص هم گویا زمانی جزو مأمورین گمرک بوده و مدتی در یزد اقامت داشته است.

ب- معلمین ایرانی - از آنجا که تأسیس دارالفنون بمنظور تعلیم علوم جدید اروپائی بوده است لذا شرح مربوط بمعلمین اروپائی در آغاز قرارداد شده. معلمین ایرانی، برای دروسی بودند که در ایران سابقه تعلیم و تعلم داشته و مورد عنایت طالبان علم بوده است. علاوه بر این معلمین چند تن هم در ابتدا سمت مترجمی معلمین اروپائی را داشتند و بعداً کار تدریس بعهده آنها گذارده شد چند تن هم پس از پایان تحصیلات خود در اروپا سمت معلمی مدرسه را یافتند و اینک بطور اجمال بهر یک از آنها اشاره ای میشود.

۱- میرزا احمد طبیب کاشانی - از اطباء معروف آن عصر و انتصاب او مبنی

۱- مجله آموزش و پرورش س ۲۴ ش ۱ ص ۳۶ ببعده که نام صاحب ترجمه گفتان چاپی شده ولی نام کنستان در مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۴ جزو صورت معلمین قدیم آمده است -
۲- مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۴

براین پیش بینی بود که چون در آغاز امر مردم از معالجهٔ بیماریها براساس طب فرنگی سررشته نداشتند یا از آن پرهیز داشتند اولیاء مدرسه در مقابل آنها بهانه‌ای داشته باشند که شاگردان مدرسه طب ایرانی هم میخوانند و میدانند. این مسئله اتفاقاً نتیجهٔ خوبی داد باین معنی که شاگردان مدرسه از روی کتب طبی قدیم انسانی امراض و دواها و مسائل مهم طبی را آموختند و وقتی میخواستند درسهای معلمین اروپائی طب را بفارسی نقل کنند به اصطلاحات پزشکی عربی و ایرانی آشنا بودند و ترجمهٔ آنها درست از کار درمی آمد.^۱ این میرزا احمدظاهراً از نزدیکان و مقرران اعتضادالسلطنه و در عقاید مذهبی متمایل بپایه و در سایهٔ حمایت شاهزاده از تعصب و آزار مردم و دولتیان جان سالم بدر برده بوده است^۲ و احتمالاً تدریس او هم پس از ریاست ویا نظارت اعتضادالسلطنه بردارالفنون شروع شده است زیرا در گزارش سالهای اول مدرسه نامی از او دیده نمیشود. وی تا سال ۱۲۸۷ باین کار اشتغال داشت.^۳

۲ - شیخ صالح - «عالیجناب شیخ محمد صالح» را که برادر میرزا طاهر شعری و از اولاد شیخ زاهد کیلانی و با برادرش از اصفهان بطهران آمده^۴ و «مردی زاهد و مقدس» بود برای این انتخاب کرده بودند که به بیست نفر از شاگردان مدرسه که در فارسی و عربی چندان مهارتی نداشتند درس بگوید^۵ بعلاوه برعایت احترام شعائر مذهبی و احتمالاً برای جلوگیری از دسیسه یا سوء نظر عوام برضد مدرسه^۶، همه روزه شاگردان نماز ظهر و عصر را بصورت جماعت و با اقتدای باو ادا میکردند.

۳ - ملاحسین - پس از شیخ صالح ملاحسین به معلمی فارسی و عربی مدرسه منصوب شد^۷ و پس از او:

- ۱ - همان مرجع و مقالات آقای محیط طباطبائی ۲ - مجلهٔ یادگار س ۲ ش ۱ ص ۵۹ و ۶۳ و ۶۲
- ۳ - راهنمای دانشکدهٔ پزشکی ص ۴۲ ۴ - الذریعه ج ۹ ق ۲ ص ۵۲۷
- ۵ - وقایع اتفاقیه نمرهٔ نود و هشتم ص ۱ ۶ - مقالات آقای محیط طباطبائی ۷ - مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۲

۴ - میرزا اسدالله که در اواخر معلم فارسی و عربی و پیش نماز مدرسه بود.^۱
 ۵ - میرزا رضا - پسر مرحوم حاجی میرزا مقیم مستوفی علی آبادی مازندرانی که به میرزا رضای دکتر معروف بود، پس از اینکه در سال ۱۲۷۷ از تحصیلات پزشکی خود در پاریس فراغت یافت و بایران آمد بسمت معلم طب جدید در دارالفنون منصوب شد. میرزا رضا از شاگردان خوب دکتر پولاک^۲ بود ظاهراً دومین کسی است از ایرانیان که عنوان دکترای پزشکی را از دانشگاه پاریس بدست آورده است. وی بعداً طبیب و معلم فرانسهٔ ظل السلطان شد و زن فرانسوی او هم معلم شاهزاده بود.^۳ میرزا رضا در ۱۲۹۴ درگذشت.^۴

۶ - میرزا عبدالغفار پسر مرحوم آخوند ملاعلیمحمد اصفهانی و از شاگردان اوایل دارالفنون بود. پدرش از علمای ریاضی و نجوم ایران و از مقرران اعتضاد - السلطنه بود. خود وی نیز تحصیلاتش در ریاضی بود و از شاگردان مبرز مدرسه بشمار میرفت.^۵ بطوریکه در همان اوایل تأسیس مدرسه یعنی در سال ۱۲۷۶ کتابی بنام «حل ما لاینحل» در جواب مسائل لاینحل آخر «خلاصة الحساب» مرحوم شیخ بهائی رحمه الله علیه تألیف و چاپ کرد.^۶ میرزا عبدالغفار پس از فراغت از تحصیل معلم ریاضی و نجوم دارالفنون گشت و «نجم الملك» و «نجم الدوله» لقب یافت، بعلاوه وی منجم باشی شاه و دارای منصب سرتیپی هم بوده است.^۷

۷ - میرزا کاظم محلاتی - فرزند میرزا احمد از شاگردان دورهٔ اول دارالفنون و از نخستین دستهٔ منحصّلین اعزامی باروپا در زمان ناصرالدین شاه بود. وی شاگرد رشتهٔ طبیعی و دوا سازی و از منحصّلین خوب بود بطوریکه در گزارش سال اول مدرسه نام او و «باقرخان ولد هادی خان شیرازی» در روزنامهٔ وقایع اتفاقیه درج کردند.^۸ پس از بازگشت از اروپا بسمت معلم شیمی دارالفنون انتخاب شد و او و «نجم الملك»

- ۱ - مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۲ ۲ - وقایع اتفاقیه نمرهٔ صد و دویم ربیع الثانی ۱۲۶۹ ص ۱ و ۲ و ۳ با مطالب دیگر ۳ - تاریخ مسعودی ص ۲۱ - ۳۰-۲۱۴ ۴ - راهنمای دانشکدهٔ پزشکی ص ۳۹ ۵ - مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۳ ۶ - همان مدرک ص ۲۵۴ ۷ - ایضاً همان مدرک ص ۸۴ ۸ - وقایع اتفاقیه نمرهٔ صد و دویم ص ۳۰۲ و ۳

هر يك در حدود چهل سال در مدرسه تدریس میکردند.^۱ میرزا کاظم پدر مرحوم دکتر محمود شیمی و جد خاندان شیمی است که در طهران مقیم اند - میرزا کاظم در سال ۱۳۱۳ هـ. ق درگذشت.^۲

۸- میرزا ابوالقاسم حکیمباشی - معلم علم طب مدرسه در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه بود او ظاهرآ همان میرزا ابوالقاسم سلطان الحکماء یا سلطان الاطباء نائینی طبیب مشهور آن عصر است که نزد شاه تقریبی داشته و بحذاقت معروف بوده است - وی طب ایرانی تدریس میکرده است.^۳

پدرش میرزا محمد جعفر نام و سلطان الحکماء لقب داشت. میرزا ابوالقاسم در سال ۱۲۴۵ هـ. ق بدنیا آمد و گویند نسب او از طرف پدر بسطان محمد خدابنده الجایتو و از طرف مادر بمرحوم مجلسی میرسد. تحصیلات خود را در اصفهان (در مدرسه نیماور) و یزد بانجام رسانید، در ۱۲۷۰ بطهران آمد و در مدرسه صدر مجلس درس و محل طبابتی برقرار کرد. در ۱۲۸۰ طبیب وزارت امور خارجه و در ۱۲۹۴ معلم طب قدیم دارالفنون شد و بتدریج تا آنجا ترقی یافت که «... اجل و اعظم اطباء دارالخلافه...» گردید. از وی چهار کتاب بنام تحفه ناصری، ناصر الملوك، رساله یوسفیه و رساله حمایه باقی مانده است. سلطان الحکماء در سال ۱۳۲۲ هـ. ق به بیماری وبا درگذشت.^۴

۹- میرزا علی دکتر همدانی - که پس از دسته اول محصلین اعزامی در زمان ناصرالدین شاه و ظاهرآ بخرج خود باروپا رفت و چون بازگشت معلم طب جدید دارالفنون شد و کتبی چند از او بیادگار مانده است. وی در نگاهداری آداب و رسوم ایرانی اصراری داشته و ظاهرآ کمتر تحت تأثیر زندگی اروپائی قرار گرفته بوده است و این امر شاید از آن جهت بوده است که «... میگویند ابتدا صنعتگر بوده است و سپس در فکر آموختن طب افتاده و پس از فراگرفتن

۱- مقالات آقای محیط طباطبائی ۲- راهنمای دانشکده پزشکی ص ۲۳ ۳- مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۲ ۴- راهنمای دانشکده پزشکی ص ۲۲

طب در ایران بجانب فرنگستان رفته و موفق باخذ گواهی نامه و دیپلم ازدانشکده پزشکی پاریس گردیده است. لقب او « رئیس الاطباء » بوده است. میرزا علی پیش از رفتن بفرنگ حکیم باشی کامران میرزا نایب السلطنه بود و چون بازگشت با حفظ همین سمت معلم دارالفنون و طبیب حضور همایون گردید. اشتغال او بتعلیم در دارالفنون در سال ۱۲۹۴ و پس از فوت میرزا رضای دکتر بوده است از او کتابهایی در تشریح - پاتولوژی - امراض زنان - امراض اعصاب - امراض اطفال بصورت تألیف و ترجمه باقی مانده است.^۱

۱۰- میرزا حسین دکتر - پسر مرحوم میرزا احمد طبیب افشار او نیز از محصلین دوره اول بود و در همان زمان تحصیل کتابی در معالجه وبا نوشت و بحضور شاه برد و بسیار مستحسن افتاده و پانزده تومان انعام باو مرحمت شد.^۲ وی باتفاق میرزا رضا پسر مرحوم حاجی میرزا مقیم و میرزا علینقی پسر آقا اسمعیل جدید - الاسلام پیشخدمت سلام، بهمراه هیأت سفارت فرخ خان، برای تحصیل باروپا رفت^۳ و با میرزا رضا در يك زمان از تحصیل فراغت یافت و درجه دکتری گرفت و پس از بازگشت چندی معلم طب جدید دارالفنون شد. او با میرزا احمد حکیم باشی معاصر بوده و ظاهرآ هر دو تحت نظر دکتر تولوزان سرپرست رشته طب مدرسه کار میکرده اند. در مرآت البلدان فاهی از او بعنوان معلم دارالفنون نیست اما در نمره ۵۰۲ روزنامه دولت علیه ایران مورخ ربیع الثانی ۱۲۷۸ ضمن صورت کارکنان دارالفنون نام او را نوشته اند. میرزا حسین ظاهرآ نخستین کسی است از ایرانیان که عنوان دکترای پزشکی را از دانشگاه پاریس بدست آورده است.^۴

تا سال ۱۲۹۸ طب اروپائی دارالفنون فقط دارای يك معلم بود و از این سال بین

۱- مجله جهان پزشکی س ۱۱ ش ۷ و راهنمای دانشکده پزشکی ص ۵۰ ۲- وقایع اتفاقیه نمره ۱۰۵ ربیع الثانی ۱۲۶۹ ص ۲ ۳- مقالات آقای محیط طباطبائی درباره اعزام محصل، مخزن الوقایع ص ۲۳۰ ۴- وقایع اتفاقیه نمره ۴۶۹ پنجشنبه ۶ محرم ۱۲۷۷

چند تن تقسیم گردید و بغیر از میرزا علی دکتر که در آن موقع معلم منحصر بود امر تدریس بکسان دیگری نیز محول شد، بدین ترتیب:

۱۱- در ۱۲۹۷ میرزا ابوالحسن (دکتر ابوالحسن خان بهرامی) که فارغ التحصیل ۱۲۹۱ بود در حدود سال ۹۳ - ۱۲۹۲ چندی افتخاراً در شعبه طب درس میداد و از سال ۱۲۹۷ برای معلمی محصلین طبقه دوم طب تعیین گردید ولی پیش از دو سال این سمت را عهده دار نبود.

۱۲- از ۹۸ - ۱۲۹۷ ه. ق تا چند سال بعد میرزا علی خان قاجار (آصف الدوله ای) در دارالفنون بتدریس طب اشتغال داشت و چون از خاندان قاجار و حقوق بگیر دربار بود این وظیفه را افتخاری انجام میداد.

۱۳- از ۱۲۹۹ ه. ق میرزا محمد دکتر (دکتر محمد خان کرمانشاهی) رئیس بیمارستان دولتی نیز با حفظ سمت عهده دار تدریس مدرسه گردید. وی ابتدا شاگرد حاجی میرزا عبدالباقی حکیم باشی و بعداً محصل طب دارالفنون بود و بخرج خود بفرنگستان رفت و در ۱۸۷۹ م (۱۲۹۶ ه. ق) بدرجه دکتری از دانشکده پزشکی پاریس و اخذ نشان درجه اول علمی نایل گردید. وی اولین پزشکی است که میکروسکوپ و لام های مربوط بآن را بایران آورد و بشاگردان خود نشان داد و نخستین پزشکی است که بر مبنای طب پاستور یعنی طبی که میکروب شناسی در آن از مسائل عمده و اساسی است و وجود میکروب را در پیدایش و گسترش و پیشرفت بیماریها مؤثر میداند، طبابت مینمود و نیز ظاهراً نخستین کسی است که صدای پیولمان را در امراض شریانی برای نخستین بار شنیده و پایان نامه دکتری خود را نیز بر مبنای آن قرار داده است و باز او برای اولین بار گلبولهای خون را در طهران بشاگردان خود نشان داد. دکتر محمد کرمانشاهی مدتی هم در خدمت امیر نظام گروسی بعنوان طبیب، در آذربایجان مشغول خدمت بود و پس از بازگشت بطهران در سال ۱۳۲۶ ه. ق در گذشت. از او چند کتاب طبی نیز باقی مانده است مانند امراض اطفال و تشریح و امراض مقاربتی.

۱۴- دکتر خلیل خان اعلم الدوله ثقفی - فرزند حاجی عبدالباقی اعتضادالاطباء در سال ۱۲۷۹ ه. ق متولد شد و در ۱۲۹۳ وارد دارالفنون گردید. پس از چهار سال ضمن ادامه تحصیل بعنوان خلیفه بررسی خان برای تدریس فرانسه و جغرافیا منصوب و بالاخره در ۱۳۰۵ ه. ق با دریافت يك قطعه نشان طلا، فارغ التحصیل طب دارالفنون شد و ابتدا معلم معاون (دانشیار باصطلاح امروز) دکتر آلبو بود و پس از آن مستقلاً معلم طبقه دوم شاگردان طب و معلم کلیه درس طب جدید در مدرسه نظامی ناصری که در محل دادگستری فعلی در ارک ایجاد شده بود، شد. وی اولین کسی است که در ایران دکتر شناخته شده است زیرا تا آن وقت این عنوان مخصوص اطباء فارغ التحصیل اروپا بوده است. دکتر خلیل خان در سال ۱۳۱۲ ه. ق بکوشش دکتر طولوزان، از شاه اجازه یافت که برای تکمیل تحصیلات بفرنگستان برود و چون بازگشت طبیب مخصوص مظفرالدین شاه شد. در دوره مشروطیت و پس از خلع محمد علی شاه، چندی شهردار تهران و ژنرال قونسول ایران در سویس، رئیس کل معارف و معاون آن وزارتخانه نیز بود قریب سی جلد کتاب در قسمت های مختلف بوسیله او تألیف و ترجمه و بعضی از آنها چاپ شده است.

۱۵- میرزا علی اکبر خان نقاش باشی - وی پسر عمو حسین نطنزی باغبان میرزاهاشم خان برادر فرخ خان امین الدوله بود و فرخ خان او را با اروپا فرستاد و او صنعت نقاشی و زبان فرانسه را در اروپا آموخت و پس از بازگشت بایران معلم نقاشی و زبان فرانسه دارالفنون و بعدها بلقب «مزمین الدوله» ملقب شد. مرحوم مزمین الدوله از همه معلمین دارالفنون بیشتر در این مدرسه کار کرد و تا ۱۳۴۲ قمری در آنجا بتدریس مشغول بود. در زمان سلطنت مظفرالدین شاه مدتی بملازمت و منادمت شاهزاده شعاع السلطنه مأمور و برسم زمان دارای منصب سر تیب اول بوده است.^۲

۱ - مقالات آقای محیط طباطبائی درباره دارالفنون - آخرین قسمت ۲ - تاریخ افضل نسخه خطی مجلس ج ۲ جزء ۲۹

مرحوم مزین الدوله کتاب لغت فرانسه بفارسی مبسوطی تألیف کرده است که گویا «در انتخاب مفردات فارسی و صحت ترجمه لغات آن زحمت زیادی متحمل شده است»^۱.

۱۶- علی خان- نواده مرحوم رضاقلی خان هدایت که دارای لقب «ناظم العلوم» و معلم توپخانه بود^۲ و ناظم العلوم در دارالفنون بمنزله مدیر دروس در مدارس کنونی بوده است. وی مترجم کتاب تلماک است^۳ و باز هم از او صحبت خواهد شد.

۱۷- میرزا محمد- که در جلد دوم مرآت البلدان او را بعنوان «خلیفه قدیم تا اواسط» ذکر کرده اند و تدریس او روشن نیست^۴.

۱۸- محمد آقا سرهنگ که معلم پیاده نظام بوده است^۵.

۱۹- ملکم- پسر میرزا یعقوب جلفائی که تا کنون چند بار از او نام برده شده است. وی در ده سالگی برای تحصیل بفرانسه رفت^۶ و ظاهراً دوره ابتدائی و دبیرستان یا قسمتی از دبیرستان را در پاریس خواند و چون بایران بازگشت بعنوان مترجم در دستگاه ناصرالدین شاه وارد شد و پس از تأسیس دارالفنون مترجم «زطی» معلم حساب و هندسه گشت^۷ و قسمتی از تدریس را خود مستقلاً بعهده گرفت^۸ خوشبختی ملکم خان در این بود که در عصری میزیست که از علوم جدید در ایران اثری زیاد نبود بنابراین معلومات او هر چند که چندان نبود زیاد جلوه مینمود. در گزارشهای مدرسه بارها از او تجلیل شده است لکن ریشاردخان از او بتخفیف ذکرمی کند و پیداست که او را چندان صاحب فضل و کمال نمی دانسته است^۹.

۱- مقالات آقای محیط طباطبائی درباره اعزاز محصل ۲- مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۴
۳- فهرست کتابهای چاپی فارسی ستون ۴۴۵ ۴- مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۵
۵- ظاهراً همانست که به جدیدالاسلام معروف بوده است ۶- فکر آزادی ص ۹۴
۷- امیر کبیر و ایران آدمیت ج ۱ ص ۱۸۷ ۸- وقایع اتفاقیه نمره نود و هشتم پنجشنبه پنجم ربیع الاول ۱۲۶۹ ص ۱ ۹- مقالات گوناگون ص ۸۶

ملکم بجهاتی چند از افراد مؤثر جامعه آن روز ایران بوده است و اتفاقاً در وضع دارالفنون نیز اثر بسیار مهمی بجا گذاشته است زیرا از همان آغاز کار درصدد تأسیس حلقه فراماسونری در مدرسه برآمد و باعث وحشت کلی ناصرالدین شاه شد و بکلی مدرسه را از نظر شاه انداخت. حاج مخبر السلطنه در کتاب خود «خاطرات و خطرات» آنجا که مسئولین کار ایران را معرفی می کند درباره ملکم مینویسد: «..... ملکم را در طرح بساط فراموشخانه و نقشه جمهوری و آلودن دارالفنون که از فواید تکامل به آرزوی انقلاب محروم ماندیم.....»^۱

۲۰- نظر آقا- از ارامنه آذربایجان که ظاهراً در دارالفنون معلم زبان فرانسه و جغرافیا بود^۲ و در وزارت خارجه مترجم دوم و هم اوست که بعدها بالقب «یمین- السلطنه» وزیر مختار ایران در پاریس شد و مدتها در این سمت باقی بود^۳ و شاید اظهار نظر ریشاردخان درباره «..... یک ارمنی دیگر که دوسالی بیشتر نزد کشیش ها در اسلامبول درس نخوانده است معلم جغرافیا و زبان فرانسه شده ...» درباره همین نظر آقا باشد.

۲۱- آنطوان آقا معلم زبان فرانسه که نام او را در نمره ۳۹۵ وقایع اتفاقیه مورخ پنجشنبه ۱۶ محرم ۱۲۷۵ نوشته اند.

۲۲- مادروس خان- از ارامنه جلفا که روسی و فرانسه خوب میدانست و سابقاً در مسکو تحصیل کرده و مترجم دولتی بود و معلم زبان دارالفنون^۴ و بعداً در قزاقخانه وارد شد و بریاست ستاد آن هم رسید.

۲۳- مهدیقلی خان هدایت (حاج مخبر السلطنه) که از سال ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۵ معلم زبان آلمانی دارالفنون بود^۵. وی اولین ایرانی است که در آلمان دیپلم گرفت و زبان آلمانی را مثل زبان مادری میدانست^۶ و از صنعت گرا و سازای هم با اطلاع

۱- خاطرات و خطرات ج ۱ ص ۷۵ ۲- مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۴ ۳- همان مرجع و مقالات گوناگون ص ۲۸۳ ۴- مقالات گوناگون ص ۸۶ ۵- مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۴
۶- مجله یادگار س ۱ ش ۸ ص ۷۵ خاطرات و خطرات ج ۱ ص ۷۳ ۷- اطلاعات ۸۸۲۴ - ۱۲ آبان ۳۴

بود و در خانه خود کارگاهی داشت و بمقامات عالیة استانداری به اصطلاح امروز و وزارت و نخست وزیری هم رسید .

مترجمین - از مترجمین دوره اول دارالفنون یکی :

۱- ملکم سابق الذکر بود که بعداً بمعلمی رسید و پس از آن وارد خدمت وزارت خارجه شد و مقامهای بلند یافت . دیگر:

۲- حاج شیخ محسن خان - که او نیز مترجم نظام بود و دنبال کارملکم را گرفت و سفارت و وزارت عدلیه و امور خارجه نائل گشت و «معین الملك» و مشیرالدوله لقب یافت^۱ . دیگر:

۳- میرزا کی خان - که خود از محصلین اعزامی زمان محمدشاه بود^۲ و در قشون خدمت مینمود و آخرین درجه او گویا سرهنگی بوده است . دیگر :

۴- میرزا رضاخان کاشانی - که او نیز از محصلین اعزامی زمان محمد شاه بود^۳ و ترقی مقام او معلوم نیست . دیگر:

۵- محمد حسین خان قاجار - که مترجم رشته طب و جراحی بود^۴ . دیگر :

۶- میرزا جعفر که گویا ابتدا از مترجمین بوده و در عین حال تدریس هم میکرده است و بعداً سمت معلمی یافته است^۵ . دیگر:

۷- میرزا آقا که او نیز مانند میرزا جعفر بوده است ولی عنوان معلمی یافته است^۶ .

۸- میرزا عبدالوهاب یزدی - متخلص بمحرم که از ابتدای تأسیس دارالفنون از محصلین مبرز و بزرگسال و از مترجمین و خلیفه درس زبان مدرسه بوده است و بعداً سمت معلمی یافته است^۷ .

وی پسر آقا محمدعلی پسر آقا محمدهاشم زرگر پسر آقا محمد صالح لؤلؤی

۱ - مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۵ و ۲ و ۳ و ۴ - همان مرجع ۵ - وقایع اتفاقیه نمره ۳۹۵ پنجشنبه ۱۶ محرم ۱۲۷۵ و نمره ۵۰۲ دولت علیه ایران ۱۹ ربیع الاول ۱۲۷۸
۶ - وقایع اتفاقیه نمره ۳۹۵ ۷ - همان مرجع و دولت علیه ایران نمره ۵۰۲

اصفهانی و جد او از خوشنویسان معروف خط نسخ بود^۱ . محرم پس از تکمیل تحصیل به عتبات رفت و مدتی هم در کرمانشاه متوقف بود و آنگاه بطهران آمد . «فرهنگ خدا پرستی» از اوست^۲ خانواده محرم اصلاً اصفهانی بوده اند و خود او در یزد بدنیا آمده و بزرگ شده است . وی زبان فرانسه و انگلیسی میدانست^۳ .

گزارشی از کار دارالفنون - درست یکسال پس از افتتاح دارالفنون گزارشی راجع بآن در نمره نود و هشتم وقایع اتفاقیه مورخه پنجشنبه پنجم ماه ربیع الاول ۱۲۶۹ انتشار یافته است که از جهت اطلاع بر جریان کار مدرسه شاید مطالعه آن سودمند باشد : اینک آن گزارش .

«مدرسه دارالفنون که حسب الامر اقدس پادشاهی در ارگ مبارکه سلطانی ساخته شده و معلمین نمسای و غیره اطفال شاهزادگان عظام و امراء و خوانین را در آنجا تعلیم میدهند ، در این اوقات کمال انتظام را بهم رسانده و ترقیات کلی بجهت متعلمین حاصل گردیده است . بطوریکه در زمان اندک مانند کسانی که سالها کار کرده باشند هر يك در فنی که تعلیم گرفته اند کمال مهارت را بهم رسانده اند و چون از دو ماه قبل از سال سیچقان تیل که اول بنای مدرسه مزبوره بود تفصیل امورات متعلقه بمدرسه در روز نامه نوشته نشده بود ، لهذا اجمالا شطری از آن نوشته میشود که آگاهی اجمالی حاصل گردد .

در این مدت اگرچه هر روز شاگردان بدرس خود حاضر میشدند و لکن بنائی مدرسه که بنائی عالی و طرحی جدید مشتمل برینجاه حجره منقش مذهب وسیع بود باتمام نرسیده بود، در این روزها باتمام رسیده و هشت علم را که هر يك محتاج الیه امور مملکت و سپاهی و رعیت است بقانون سایر دول در آنجا تعلیم میدهند و معلمین نمسای و غیره را که حاضر نموده اند بجهت هر يك بتفصیل ذیل شاگردان از اخلاف و نتایج شاهزادگان عظام و امراء و عظاما مقرر داشته اند و بجهت بعضی از آنها مواجب برقرار فرموده و سایرین را انعام مستمری و ماهانه مرحمت

۱ - الذریعه ج ۹ ق ۳ ص ۹۷۳ ۲ - الذریعه ج ۹ ق ۳ ص ۹۷۴ ۳ - مجله یادگار س ۲ ش ۱ ص ۵۹

فرمودند و لباس زمستانی از ماهوت و تابستانی خارا و نهار مطبوخ و رنگین معین داشته و در سالی سه بار حکم با امتحان آنها میشود و در هر امتحانی باندازه ترقی انعام و نشان مرحمت میشود. در امتحان اول که شد يك ثلث از شاگردان بانعام و نشان ممتاز شده و باقی نیز فراخور ترقی از انعام اعلی حضرت پادشاهی بهره مند گردیدند و تفصیل معلمین و مترجمین و متعلمین از این قرار است:

معلم هندسه - عالیجاه میرزا ملکم است و شاگردان مدرسه دو درس میگویند یکی درس حساب و هندسه عام است که جمیع شاگردان میخوانند و یکی درس خاص است که بدو ازده نفر از شاگردان با استعداد مطالب عالی هندسه را از قواعد محکمه و صنعت نقاشی و علم جغرافیا درس میگویند و خوب ترقی کرده اند.

معلم علم توپخانه - عالیجاه موسیو کرشیش است و مترجم او میرزا زکی . شاگردان مشارالیه بیست و شش نفرند . در این مدت بسیار خوب تحصیل کرده اند علم توپخانه و علم هندسه حساب و علم جغرافیا و مشق توپ و مشق پارا بترتیب ایام هر روز در کمال جد و جهد مشغول بوده اند تا اکنون که بتصدیق معلم و مترجم پنج نفر از ایشان بسیار زیاده از حد ترقی کرده اند چنانچه در امتحان اول صاحب نشان شدند و سایرین نیز بتفاوت بسیار خوبند.

معلم پیاده نظام - عالیجاه قولونل مطراتسو ایتالیائی که با سایر صاحبمنصبان و همراهان خود در سلك چاکران دولت علیه منسلك بودند و مشارالیه با کمال شایستگی و آراستگی هر روز در میدان مشق بیرون شهر مشغول مشق جمیع افواج رکابی بوده و بسیار خوب از عهده برآمده چنانچه خود از مشق افواج اظهار مسرت مینمود. خدمت تعلیم شاگردان مدرسه را نیز محض شوق بخدمتگزاری این دولت علیه بعهد خود گرفته سی نفر شاگردان پیاده نظام را با آجودانهای افواج در مدرسه درس میگویند و عالیجاه عیسی خان خلف جناب جلالتما ب صدر اعظم که سابق در نزد مرحوم علیرضا خان درس میخواندند حال در مدرسه در نزد عالیجاه قولونل مطراتسو درس میخوانند

و مشارالیه میگویند اگر چه هنوز شاگردان مدرسه را امتحان نکرده ام ولی بسیار خوبند و هیچ نسبت بشاگردان مدارس که در سایر دول دیده ام ندارند چنانکه حال ده نفر از این شاگردان قابل آند که هر يك ده فوج را بقانون علمی مشق و تعلیم بدهند و حال نیز هر روز شاگردان قابل در بیرون شهر مشغول مشق دادن افواج اند.

معلم علم سواره نظام - عالیجاه موسیو نمیرو است و مترجم او آندره خیاط نمساوی است و شاگردان او پنج نفرند که مقرر است در مدرسه علم سواره نظام بیاموزند ولیکن سیصد نفر سوار بجهت مشارالیه معین فرموده اند که با صاحب منصبان سواره هر روز در بیرون دروازه مشق می کنند و بسیار خوب از عهده مشق موافق تعلیم بر می آیند و علاوه بر آن بیست نفر از شاگردان مدرسه را مشق شمشیر می دهند و بسیار خوب مشق می کنند بعد از این معلم بنا دارد که صاحبمنصبان سواره نظام را بمدرسه آورده با شاگردان خاص خود علم سواره نظام تعلیم کند.

معلم درس فرانسه - عالیجاه موسیو ریشارد فرانسویست که در سایر علوم نیز مهارتی تمام دارد و بعموم شاگردان درس زبان میگوید و قریب ده نفر از آنها مبادرت بتکلم میتوانند نمود و معلمین انصاف میدهند که در مدارس سایر دول علم زبان را در پنج سال میتوانند آموخت و اینها در این اندک زمان باین مقام رسیده اند که خوب زبان یاد گرفته اند.

معلم علم معادن - موسیو چرنطای نمساوی و مترجم میرزا رضای کاشانی است بعد از دو ماه از تعلیم شاگردان خود مأمور ببازدید معادن شد و شاگردان خود را همراه بردار دولت علیه مخارج زیاد و انعام بآنها مرحمت شد و اکنون سنگهای گوناگون از معادن دماوند و مازندران آورده اند و میخواهند در دارالخلافه امتحان نمایند تا هر يك مقرون بصره باشد در آن معدن کار نمایند و شاگردان مشارالیه پنج نفرند.

معلم علم طب و جراحی - عالیجاه موسیو پولاک نساوی، مترجم او محمد حسین خان قاجار. بیست نفر شاگردان او است و در کمال نظم و خوبی تحصیل مینمودند تا اینکه علم تشریح را که در سایر مدارس دول خارجه از قرار تقریر معلم در یکسال تحصیل مینمایند در سه ماه فارغ شدند و بعد از آن شروع بعلم معرفت ادویه و اسباب و علامات معالجه نموده و اکنون بمقامی رسیده‌اند که معلم ایشان بنادارد در هفت آینه آنها را بمریضخانه برده کیفیت معالجه را بیاموزند و در این اوقات معلم ایشان قرارداد کرده هر وقت در شهر معالجه غریبی از قطع و کسر و سایر اعمال ید جراحی میکنند دو نفر از شاگردان قابل صاحب نشان و سه نفر دیگر از سایر سزاه خود میبرد و بایشان می آموزد که در کار خود مهارت کامل بهم برسانند.

معلم علم طبیعی و دواسازی - عالیجاه موسیو فتکی و مترجم او نیز میرزا رضاست. شاگردان مشارالیه هفت نفرند و در علم خود کمال سعی نموده و خوب ترقی کرده‌اند چنانکه در امتحان اول دو نفر آنها صاحب نشان شده‌اند.

معلم درس فارسی و عربی - عالیجناب شیخ محمد صالح است که مردی زاهد و مقدس است و به بیست نفر از شاگردان مدرسه که از فارسی و عربی چندان مهارتی نداشتند درس میگوید و وقت ظهر مؤذن مخصوص دارالفنون اذان میگوید و عالیجناب مشارالیه در حجره وسیعی که بجهت نماز مقرر است بنماز ایستاده شاگردان مدرسه و سایرین اقتدا نموده بجماعت نماز میگذارند و دعا بذات اقدس همایون میکنند»

برنامه و میزان تحصیلات محصلین دارالفنون - وقتی دارالفنون در ایران تأسیس شد هنوز معارف و علوم جدید در کشور ما نفوذ نیافته و شایع نشده بود، از اینرو برنامه تحصیلات دارالفنون از حدود برنامه دبیرستان تجاوز نمی نمود یعنی در حقیقت از برنامه ابتدائی شروع و دبیرستان ختم میشد دلیل این ادعا خبری است که در صفحه دوم نمره نود و نهم روزنامه «وقایع اتفاقیه» مورخ پنجشنبه

۱۲ ربیع الاول ۱۲۶۹ یعنی يك سال و یکهفته پس از افتتاح دارالفنون درج شده است و اینک عین آن خبر:

«متعلمین هندسه که در نزد عالیجاه میرزا ملکم دو درس میخواندند یکی درس عام که جمیع شاگردان را درس میداد و یکی درس خاص که بدوازده نفر شاگردان با استعداد مطالب عالی هندسه را درس میگفت. این چند نفر بسیار خوب ترقی کرده‌اند چنانچه علم حساب را از جمع و تفریق و ضرب و تقسیم و عدد کسور و عدد دسیمال و اربعه متناسبه و جذر و کعب لوگاریتم و مقدمات تحریر باتمام رسانیدند و حال شروع به ژئومتری که علوم اشکال و مساحت است نموده‌اند. و شاگردان توپخانه مراتب حساب را باتمام رسانیده‌اند و در جبر و مقابله تا نساوی درجه دوم بچند مجهول دیده‌اند و علم توپخانه را از مقامات جنگ باتوپ در قلعه گیری و قلعه داری و جنگ در صحرا و شناختن توپهایی که در صحرا و قلعه بکار میرود از توپ سواره و پیاده و مشق پا و مشق توپ و حرکت دادن توپها بجهت دعوا و علم جغرافیای هندسی را تمام کرده‌اند و چون در این هفته معلم توپخانه جمیع توپچیان را مشق میدهد توپچیان را چند دسته کرده علی العجاله بر هر دسته یکنفر از شاگردان خوب خود را گماشته که حرکات دسته را بیاموزند و در هفته آینده خود معلم همه را مشق خواهد داد...»

از این جهت محصلین که پس از فراغت از تحصیل در دارالفنون با اروپا رفتند در آنجا مجبور بودند که قسمتی از مقدمات را ببینند و پس از آن وارد تحصیلات عالی شوند.

دوره اول مدرسه هفت سال بود ولی بعداً به پنج سال و چهار سال تقلیل یافت چنانکه در اواخر دوره ناصرالدین شاه دوره طب چهار سال و معمول این بود که یک دسته شاگرد چهار سال را تمام می کردند بعد، از نو، دسته دیگر می -

۱ - وقایع اتفاقیه نمره ۳۹۴ پنجشنبه نهم محرم ۱۲۷۵ و نمره ۳۹۵ - مرآت البلدان ج ۲ ص ۲۳۳

گرفتند. علت این امر ظاهر آکمی استاد بوده است که شاگردان مجبور بودند با همین اساتید تا پایان تحصیلات جلو بروند. در آغاز تأسیس مدرسه هم معلومات داوطلبان و جریزه و استعداد آنان در طی سریع سالهای تحصیلی مؤثر بوده است چنانکه میرزا محمود قمی را در امتحان سال ۱۲۷۵ نوشته اند که دو سال است بمدرسه آمده و پس از این امتحان هم او را بارو پافرستاده اند، همینطور شیخ جلیل اصفهانی و چند تن دیگر.^۱

کارهای فوق برنامه - در بدو ورود معلمین اروپائی، از نظر احتیاج زیادی که بوجود آنها بود اوقات کار ایشان بدو بخش جداگانه تقسیم شد که يك بخش آن اختصاص بکار در کلاسهای مدرسه داشت و بخش دیگر آن، در خارج مدرسه بکارهای لشکری و غیره مصروف می شد.

معلمین هم برای تمرین دروس نظری و احیاناً آسانی کار خود و اینکه کمکی داشته باشند سعی داشتند که شاگردان مدرسه نیز علاوه بر وظایف درسی و تکالیف کلاس، در خارج نیز بتمرینات و خدماتی بپردازند که بالمآل کمک درس ایشان باشد، بدین نظر قسمت های پیاده و سواره نظام همیشه متعهد مشق و تربیت عده ای از سربازان بودند.^۲ شاگردان تویخانه در خارج مدرسه بکمک کرزیز نقشه طهران و بلوک تابع آن را برداشتند^۳ و این نقشه، نخستین نقشه ای می باشد که در دوره معاصر بدست ایرانی تهیه شده است^۴ دسته دیگری از ایشان مأمور تعیین ارتفاع قلعه دماوند شدند.^۵

- ۱ - مجله جهان پزشکی س ۱۱ ش ۱۰ ص ۳۶۸ ۲ - وقایع اتفاقیه نمره ۳۹۴ و ۳۹۵
- ۳ - وقایع اتفاقیه نمره نود و هشتم - پنجشنبه پنج ربیع الاول ۱۲۶۹ ص ۱ ۴ - وقایع اتفاقیه نمره ۴۱۱ دهم جمادی الاولی ۱۲۷۵ ص ۲ ۵ - مقالات آفای محیط طباطبائی اما در کتاب زندگانی میرزا تقی خان امیر کبیر تألیف حسین مکی ج ۲ ص ۱۸ و ۱۹ تهیه نقشه ای بزمان امیر کبیر نسبت داده شده است که بوسیله عبدالرسول خان مهندس نواده صدر اصفهانی کشیده شده است و نویسنده مدعی است که وجود این نقشه بوسیله مرحوم عبدالرزاق خان بغایری در ذیل نقشه ای که در سال ۱۳۲۸ قمری ترسیم نموده تأیید گردیده است
- ۶ - وقایع اتفاقیه نمره ۴۱۱

عده ای از آنان بدستیاری کرزیز در دو طرف مدرسه دارالفنون، اولین دستگاه تلگراف را که بادوسیم کار می کرد نصب و امتحان کردند.^۱

در موقع حمله بهرات و جنگ جنوب عده ای از قسمت مهندسی و تویخانه و سواره و پیاده و طب با افواج همراه شدند. موسیو بوهرلر معلم مهندسی مدرسه با کرزیز معلم تویخانه در سفر بهرات با شاگردان خود همراهی کردند و حتی بوهرلر چون سفارت فرانسه در مقام ممانعت او برآمد صریحاً جواب داد که من در خدمت دولت ایرانم و باید از دستورهای آن اطاعت کنم و باغلب احتمال، از اینجهت بوده است که انگلیسها او را دشمن میداشته اند.

شاگردان قسمت طب بدستیاری دکتر پولاک در سال ۱۲۶۹ هنگام بروز وبا بخدمات درمانی مشغول شدند و همیشه سه نفر از ایشان بهر عیادتی که استادشان میرفت همراه وی میرفتند. گاهی بحکم ضرورت از شاگردان مدرسه برای مأموریت بولایات فرستاده میشدند. کتابهایی را که معلمین مدرسه تألیف میکردند غالباً بوسیله شاگردان مدرسه ترجمه میشد. مطبعه مدرسه را خود شاگردان اداره میکردند و هر درسی که استاد در مدرسه املاء میکرد و ترجمه میشد فوراً چاپ مینمودند و ظاهراً نخستین کتابی که ترجمه و چاپ شد «تشریح بدن انسان» تألیف دکتر پولاک بود که در روز یکشنبه ۲۵ شهر رجب المرجب سنه ۱۲۷۰ کار چاپ آن پایان و اندکی بعد انتشار یافت^۲ و پس از آن کتابی در تانکتیک که آن را ملکم ترجمه کرد.^۳

پایان دوره اول مدرسه - در آغاز سال ۱۲۷۵ چنین تشخیص داده شد که عده ای از محصلین مدرسه تکالیف تحصیلی خود را انجام داده اند و درخور ارجاع خدمت هستند^۴، بدین نظر هیئت ممتحنه ای بریاست علیقلی میرزای اعتضاد السلطنه رئیس مدرسه و بعضویت فرهاد میرزای معتمد الدوله، میرزا سید جعفر خان مشیر الدوله،

- ۱ - وقایع اتفاقیه نمره ۳۷۵ ذی قعدة الحرام ۱۲۷۴ ص ۱ ۲ - وقایع اتفاقیه نمره ۱۵۷ پنجشنبه چهارم جمادی الاول ۱۲۷۰ ص ۲ ۳ - وقایع اتفاقیه نمره ۱۷۳ پنجشنبه ۲۷ شعبان ۱۲۷۰ ص ۲ ۴ - مقالات آفای محیط طباطبائی

آخوند ملاعلی محمد اصفهانی، میرزا رضای مهندس باشی و جمعی از حکیمباشیان ایرانی و فرنگی تشکیل شد و مدت یکماه مشغول امتحان محصلین بودند. از آنجا که این امتحان اولین امتحان رسمی علوم جدید در ایران است و از روی آن میتوان شاگردان دوره اول دارالفنون را شناخت عین گزارش آن بتمامه از نمره ۳۹۴ پنجشنبه نهم محرم ۱۲۷۵ وقایع اتفاقیه نقل میشود:

مرتبه دوم:

که میرزا علی اکبر خلیفه آنهاست.
 میرزا فرج الله ولد مرحوم آقا غلامعلی
 میرزا نصرالله ولد میرزا مهدی مستوفی
 میرزا محمد ولد شیخ صالح
 محمد حسین خان ولد محمد حسنخان
 نایب ایشیک آقاسی باشی
 نجفعلی خان پسر عباسقلی خان ابروانی
مرتبه سوم:
 که محمد میرزا خلیفه آنهاست:
 محمد حسین میرزای شاهر خشاهی (یک
 سال است بمدرسه آمده)
 محمد بیک
 شاگردان علم توپخانه بیست و نه نفر
مرتبه اول:
 محمد صادق قاجار (پس از مراجعت از
 فارس)
 میرزا فضل الله ولد میرزا حسین دامغانی
 (پس از مراجعت از محمره)

متعلمین علم هندسه بیست نفر. معلم
 آنها موسیو بوهرلر. محمد حسین خان
 قاجار مترجم
مرتبه اول:
 میرزا علی اکبر برادر مرحوم میرزا احسن
 مهندس شیرازی
 جعفرقلی خان پسر رضا قلیخان هدایت
 میرزا نصرالله ولد مرحوم میرزا کوچک
 میرزا مهدی قائینی
 میرزا عباس خان ولد میرزا رضای
 مهندس باشی
 میرزا مهدی بروجدی
 عباسقلی خان برادر قاسم خان صاحب جمع
 محمد میرزا ولد مرحوم محمود میرزا
 رضاخان ولد شاهرخ بیک
 میرزا محمود قمی (دو سال است بمدرسه
 آمده)
 ذوالفقار خان ولد رمضان بیک
 مرتضی قلی آقا

مصطفی قلی خان ولد مرتضی قلی خان
 (پس از مراجعت از فارس)
 محمد تقی خان ولد محمد حسنخان
 مقدم
 محمد رضاخان ولد بهرامخان قراگوزلو
 ابوطالب خان ولد شاطر باشی
 محمد حسین خان اصفهانی (سه سال
 است بمدرسه آمده)
 قاسم میرزا ولد مرحوم فتح الله میرزا
 (پس از مراجعت از خراسان)
مرتبه دوم:
 محمد حسنخان مقدم
 محمدخان ولد قاسم خان (سه سال است
 بمدرسه آمده)
 میرزا فتح الله ولد نصیرالملک
 ذوالفقار بیک محلاتی
 میرزا عبدالرحیم ولد میرزا غفارخان
 نجفعلی خان ولد شاهرخ بیک
 محمد آقا ولد قاپوچی باشی
 نصرالله خان ولد خداداد خان کرچی
 ابوالقاسم خان ولد ابوالفتح خان دنبلی
 عباسقلی خان ولد سلیمانخان دنبلی
 محمد مهدی میرزا ولد مرحوم اردشیر
 میرزا
 علی اصغر خان برادر قاسم خان صاحب جمع

مرتبه سوم:

اسمعیل میرزا ولد حاجی کیکاوس
 میرزا (دو سال است بمدرسه آمده)
 محمد جعفر خان ولد محمد ولی خان
 قاجار (دو سال است بمدرسه آمده)
 چنگیز میرزا ولد سیف الدوله میرزا
 (دو سال است بمدرسه آمده)
 میرزا اسمعیل پسیان (یک سال است
 بمدرسه آمده)
 اسدالله خان ولد محمد طاهر خان شیرازی
 هادی خان ولد فرهادبیک (دو سال است
 بمدرسه آمده)
 مطلب آقا منسوب فضان آقا (شش ماه است
 بمدرسه آمده)
 حسین خان ولد قاسم خان قریننی (یک
 سال است بمدرسه آمده)
 میرزا محمدعلی ولد میرزا جواد تبریزی
 (سه سال است بمدرسه آمده)
 شاگردان سواره نظام شش نفر، معلم
 موسیو نمیرا
مرتبه اول:
 علیخان ولد مرحوم محمد زمانخان قاجار
 میرزا عنایت ولد میرزا آقا بزرگ
 حیدر قلی خان مکرری

مرتبۀ دوم:

آقا جان ولد مرحوم سلیمانخان امیر-

تومان

در هیچ امتحانی ترقی نکرده بسیار لوطی و مقصر است مستوجب آنست که در سلام حضور مبارک چوبکاری شود.

رضا قلی خان ولد جعفر قلی خان خمرسه مدتی فراری شده بنخمسۀ رفته بود مقصر است و مستوجب آنست که در سلام حضور مبارک چوبکاری بشود و مواجیش مقطوع شده اخراج شود.

عقیل خان ولد فضل علی خان قاجار (دو سال است بمدرسه آمده)

شاگردان پیاده نظام - پیش صاحب منصب پیاده نظام است

عبدالرسول خان شاگردان پیاده نظام را درس هندسه میدهد.

مرتبۀ اول:

محمد آقا برادر حاجی شیخ محسن خان (پس از مراجعت از هرات)

سنجر میرزا (شش ماه است بمدرسه آمده) عبدالحسین خان ولد حاجب الدوله

علیق قلی خان برادر مرحوم محمد حسن خان سردار (پس از مراجعت از فارس)

علی آقا برادر زاده^۱ مرحوم بهاء الدین آقا

طهماسب قلی خان ولد مصطفی قلی خان سمنانی (پس از مراجعت از فارس)

مرتضی قلی خان ولد مصطفی قلی خان سمنانی (پس از مراجعت از خراسان)

علی محمد خان ولد ابراهیم خان قاجار آقا سید میرزای پیشخدمت سابق

محمود آقا منسوب بهاء الدین آقا (پس از مراجعت از کرمانشاه)

احمد خان ولد مرحوم جعفر قلی خان خمرسه

جدید بدون مرتبه:

مصطفی قلی خان ولد مرحوم محمد حسین خان فیروز کوهی (سه ماه است بمدرسه آمده)

رحیم خان خالوی نواب شاهزاده محمد تقی میرزا (شش ماه است بمدرسه آمده)

عبدالمجید میرزا ولد سلطان احمد میرزا (یک ماه است بمدرسه آمده)

شاگردان طب و جراحی - موسیوشلیمر معلم علم طب و جراحی

۱ - در مقدمۀ کتاب تجربه الاحرار او را پسر بهاء الدین محمد دانسته اند ص ده همچنین در

مرتبۀ اول:

نصرالله میرزا ولد حاجی سیف الدوله میرزا

میرزا حسین ولد میرزا آقا بزرگ طهرانی

میرزا موسی برادر میرزا حسن منشی نظام (پس از مراجعت از مأموریت فارس)

میرزا عبدالوهاب ولد محمود خان کاشانی میرزا زین العابدین ولد میرزا محمد

کاشانی

اسکندر میرزا ولد نواب حاجی محمد ولی میرزا

میرزا عبدالعلی ولد میرزا محمد حسن دامغانی

میرزا حبیب ولد مرحوم میرزا احمد تنکابنی (دو سال است بمدرسه آمده)

میرزا آقا بزرگ ولد مرحوم آقا محمد مهدی نواب

مرتبۀ دوم:

محمد جعفر میرزا ولد اردشیر میرزا میرزا مصطفی برادر میرزا حسن منشی نظام (دو سال است بمدرسه آمده)

میرزا رضای مازندرانی (دو سال است بمدرسه آمده)

عبدالحسین خان شاگرد پیاده نظام

میرزا مسیح ولد میرزا علی طیب (در سال است بمدرسه آمده)

شیخ جلیل (دو سال است بمدرسه آمده)

میرزا جواد ولد میرزا حسین حکیم باشی (بسیار پریشان است)

میرزا هدایت اصفهانی (دو سال است بمدرسه آمده)

مرتبۀ سوم:

میرزا عبدالله ولد میرزا محمد علی سرکارات (چهار ماه است بمدرسه آمده)

شاگردان علم طبیعی و دوسازی مرتبۀ اول:

باقر خان ولد هادی خان شیرازی میرزا کاظم

میرزا حسن ولد حکیم قآنی مرتبۀ دوم:

میرزا حیدر علی کاشانی شاگردان درس زبان فرانسه - آنطوان آقا

معلم زبان فرانسه - یحیی خان ممتحن مرتبۀ اول:

نصرالله میرزا شاگرد طب جعفر قلی خان شاگرد هندسه

میرزا کاظم محللاتی شاگرد دوسازی عبدالحسین خان شاگرد پیاده نظام

محمد حسنخان ولد حاجب الدوله شاگرد
 پیاده نظام
 میرزا نصرالله شاگرد هندسه
 مرتبه دوم:
 مرتضی قلی آقا شاگرد هندسه
 میرزا علی اکبر شاگرد هندسه
 باقرخان شاگرد دواسازی
 میرزا حسن شاگرد دواسازی
 محمد میرزا شاگرد هندسه
 رضا قلی خان شاگرد هندسه
 آقا بزرك شاگرد طب
 میرزا فرج شاگرد هندسه
 میرزا عباس خان شاگرد هندسه
 میرزا عبدالوهاب شاگرد طب
 ذوالفقارخان شاگرد هندسه
 عباس قلی خان شاگرد هندسه
 علی آقا شاگرد هندسه
 میرزا محمد علی محلاتی بقراول برود
 شاگردان درس زبان فرانسه که نزد
 میرزا جعفر مترجم درس میخوانند.
 مرتبه اول:
 میرزا عبدالله برادر میرزا یوسف (درس
 هندسه میخواند)

اسدالله خان ولد محمد ولی خان قاجار
 (درس توپخانه میخواند)
 محمد خان ولد محمد زمان خان قاجار
 (درس توپخانه میخواند)
 مرتبه دوم:
 مرتضی قلی خان ولد محمد ولی خان قاجار
 درس توپخانه میخواند
 مرتبه سوم:
 عبدالحسین بیک ولد فتح الله بیک
 میرزا حسین ولد میرزا عباس مشرف فوج
 باباخان ولد سید حسین خان فیروز کوهی
 شاگردان درس زبان فرانسه که نزد میرزا
 آقای مترجم درس میخوانند
 مرتبه اول:
 میرزا علی اکبر ولد میرزا غفارخان
 اکبرخان ولد هادی خان شیرازی
 محمد تقی میرزا شاگرد هندسه
 مرتبه دوم:
 حاجی خان ولد اسکندر خان
 نصرالله خان ولد قاسم خان
 محمد تقی خان ولد هادی خان
 رضا قلی خان ولد حاجی خان قرا باغی
 نصیرخان ولد قاسم خان قزوینی

شاگردان درس فارسی در نزد شیخ صالح:
 شاگردان مخصوص درس فارسی
 قاسم آقا ولد مرحوم بهرام بیک و برادرش
 مهدیخان
 شاگردان سایر علوم:
 سنجر میرزا شاگرد پیاده نظام
 نصرالله خان ولد قاسم خان قاجار (شاگرد
 درس زبان)
 حاجی خان ولد اسکندر خان (شاگرد
 درس زبان)
 اسدالله خان قاجار (شاگرد درس زبان)
 باباخان ولد سید حسنخان (شاگرد درس
 زبان)
 اکبرخان ولد هاشم خان (شاگرد درس
 زبان)
 میرزا علی اکبر ولد میرزا غفارخان
 (شاگرد درس زبان)

عبدالحسین بیک
 مرتضی قلی خان قاجار
 محمدخان ولد محمد زمان خان
 محمد تقی میرزا
 محمد تقی خان ولد هادی خان
 اعضای اداری دارالفنون در این زمان
 عبارت بوده اند از:
 رضا قلی خان هدایت ناظم مدرسه
 میرزا یوسف لشکر نویس مباشر مدرسه
 میرزا تقی روزنامه نویس
 میرزا محرم مترجم و خلیفه درس زبان
 علی قلی خان ولد رضا قلی خان هدایت
 آجودان و کتابدار مدرسه
 آقا سید جواد مؤذن
 حاجی علی ناظم مدرسه

بشاگردان خوب علی الرسم نشان و مواجب داده شده است حداکثر مواجب جدید سالیانه صد تومان بوده است که درباره سنجر میرزا پسر علیقلی میرزای اعتضاد السلطنه برقرار شده بود و حداقل آن دوازده تومان. همچنین انعامی که بمناسبت امتحانات باعضاء مدرسه داده شد حداکثر آن هزار تومان بود که بر رئیس مدرسه علیقلی میرزا تعلق گرفت و حداقل آن پنج تومان که بسید جواد مؤذن داده شد. مجموع عده شرکت کنندگان در امتحان نو دویک نفر بوده است که سه نفر از آنها جدیدالوزود بوده‌اند و مجموع عده محصلین بنا بر گزارش سال اول تأسیس مدرسه یکصد و پنج نفر بوده است.

تفاوت این دورقم ناشی از درگذشت عده‌ای از محصلین است در دوره تحصیل یا خروج آنها از مدرسه که صریحاً در جلد دوم مرآت البلدان ذکر شده است.^۱ از میان کسانی که بخوبی از عهده امتحان برآمدند عده‌ای انتخاب و بفرانسه اعزام شدند. پس از پایان امتحانات اعتضاد السلطنه بآنان گواهی داد و غالباً وارد خدمات نظامی شدند. نخستین شاگردی که گواهی نامه بدست آورد ظاهرأ محمد صادق خان قاجار از کلاس توپخانه بود که بعدها «امین نظام» لقب یافت.^۲

تأثیر مدرسه در تعلیمات قدیمی^۳ - مدرسه دارالفنون چون جنبه نظامی داشت و برای انجام کارهای دیوانی و سپاهی کار میکرد از علوم قدیم بجز طب ایرانی چیزی را وارد برنامه کار خود نکرد. اما همین موضوع برای ایجاد رقابت بین طبیبان قدیم و جدید و مقایسه میان دو نوع طب کافی بود علیقلی میرزای اعتضاد السلطنه که سالها در رشته حکمت و ریاضی و نجوم قدیم کار کرده و بمعقودات علمی قدیم خو گرفته و پای بند شده بود، چون بریاست مدرسه رسید بهمکاران سابق خود میدان داد تا در مقابل نوخاستگان دارالفنون، بتدریس و تألیف و مباحثه پردازند. عده‌ای از آنان نیز دست بتصحیح و طبع کتابهای طبی و فلسفی و ریاضی و عربی قدیم و

۱ - ص ۸۵ تا ۹۹ - ۲ - مقالات آقای محیط طباطبائی ۳ - این قسمت مأخوذ است از مقالات آقای محیط طباطبائی

جدید شدند و اگر مجالی دست میداد چیزهای تازه هم مینوشتند - در مقابل دارالفنون، مدرسه‌های متعدد با سلوب قدیم در طهران ساخته شد. چاپخانه‌های ملی دایرگشت و کتابهای قدیمی بزبور طبع آراسته گردید و باسانی بدست طالبان علم افتاد بالنتیجه جنبشی که هر چند مختصر بود در تعلیمات قدیم پیدا شد. در سال ۱۲۷۶ برای نخستین بار بطور رسمی دولت در تحصیلات قدیمه مداخله نمود و فرمائی از شاه صادر شد که «حاکم هر ولایتی فهرستی از مدرسه‌های آن ولایت با شماره شاگردان آن بطهران بفرستد و بمدرسین مدارس دستور بدهد که در تدریس و امتحان طلاب بیش از پیش مراقبت نمایند.»

تأثیر علوم قدیم در مدرسه^۱ - بعضی از شاگردان دوره اول دارالفنون همان روز اول که بمدرسه در آمدند بفرخور هوش و عمر خویش، از علوم ادبی فارسی و عربی و طب و ریاضی بهره‌ای گرفته بودند مثلاً میرزا عبدالغفار علوم ریاضی قدیم را پیش پدرش ملا علی محمد آموخته بود. یا آنکه میرزا حسن پسر قآنی بنا بوراثت، از سخنوری بهره کامل داشت و عبدالرسول خان پسر نظام الدوله^۲ و نواده حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی در عربیت فاضل بود. چند تن از کسانی که دوره طب دارالفنون را دیدند خود در خارج در طب ایرانی مهارت یافته بودند مانند حسنعلی شیخ الاطباء، میرزا سیدعلی، میرزا سید عبدالکریم، میرزا محمد کرمانشاهی که بعد از دوره اول، بمدرسه وارد شدند.

وجود این گونه شاگردان کار کرده و آموخته بسرعت جریان کار مدرسه و ترجمه و تألیف کمک شایانی کرد. در مورد ترجمه کتب علمی، چون با اصطلاحات معموله علمی قدیم دسترسی داشتند، آنها را در ترجمه بکار بردند. کتابهای طبی

۱ - بشرح ایضا و هر دو با تصرفاتی ۲ - عبدالرسول خان پسر عبدالحسین خان و نواده حاج محمد حسین خان صدر بوده است و نظام الدوله ابتدا لقب خود صدرو بعد لقب نواده اش میرزا محمد علی خان داماد فتحعلی شاه و پسر عبدالله خان امین الدوله بوده و بعد از انقطاع آنها از دربار این لقب به حسین خان آجودانباشی داده شد و بنا بر این گمان نمیرود لقب پدر عبدالرسول خان بوده باشد.

شلیمر و پولاک و کتب ریاضی کرزیر و بوهلر نتیجه زحمات شاگردانی بود که مکتب قدیم و مدرسه جدید هر دو را دیده بودند.

ملاحظات در ترقی و تنزل دارالفنون - دارالفنون بسعی امیر کبیر
تأسیس شد و هنگامی آغاز بکار کرد که مؤسس آن در قصبه فین کاشان در پناه حمایت زن باوفای خود منتظر آخرین ضربت مخالفان بود. جانشین او «سعی» داشت که از تأسیس مدرسه‌ای که امیر میخواست بترتیب اروپائی باز نماید جلوگیری کند. ولی «شاه با نظریات میرزا آقاخان و سفیر انگلیس موافقت نمود و نخواست که اقدامات معلم و نیکخواه قدیمی خود را ضایع بگذارد» از اینرو اعتماد الدوله نیز بلاحفاظه علاقه شاه بمدرسه، کم و بیش باین مؤسسه توجهی مینمود. علیقلی میرزای اعتضادالسلطنه هم در پیشرفت کار مدرسه هر چه میتوانست میکوشید اما با فکر قدیمی، چه خود تربیت شده مکتب قدیم بود و فضایل علمی او هم بیش از آنچه در ایران آن روز رواج داشت، نبود. مع هذا همین مراقبت و سرپرستی بحال مدرسه مفید بود. ایرانیانی که در آنجا سمت معلمی و مترجمی یا شاگردی داشتند حتی الامکان در انجام وظیفه فرو گذاری نمیکردند و بهترین دلیل این امر آنست که میرزا رضا و میرزا حسین از برآمدگان دارالفنون که در سال ۱۲۷۵ بمدرسه طب پاریس سپرده شدند در سال بعد توانستند امتحان دکتری رسمی دولت فرانسه را بگذرانند. یا میرزا محمود قمی که برصدخانه پاریس سپرده شد در مدت اندکی مورد توجه ستاره شناسان بزرگ فرانسه قرار گرفت. بنابراین می بینیم که مدرسه در دوره هفت ساله اول خوب کار کرد و اگر بدین منوال بکار خود ادامه داده بود و یا بهتر میتوانست ادامه دهد چه بسا نتایج سودمند برای مملکت داشت. اما متأسفانه، از این مؤسسه هم برای مملکت نتیجه اساسی گرفته نشد و باز رشته کارهای مهم در دست مستوفیان و خدام درباری ناصرالدین شاه ماند و هیچگاه نیازمندی ایران از اروپا پایان نیافت. یعنی هر وقت برای کاری غیر از کارهای

۱- امیر کبیر و ایران آدمیت ج ۱ ص ۱۸۲ - همان مرجع

معمول در مشرق زمین احتیاج بمرد کاردان پیدا شد، فوراً دست نیاز بطرف اروپا دراز گردید.

چرا؟ زیرا از همان روز اول فکر بانی آن در کار مدرسه بی اثر و سایه او از سر این مؤسسه کوتاه گشت یعنی روزیکه مدرسه گشوده شد بجای اینکه بگذارد مدرسه، یعنی مجلس درس و بحث و پیشرفت علمی باشد، آن را در ردیف مؤسسات درباری و تجلی گاه تظاهرات و تشریفات سلطنتی در آوردند.

دلایلی در دست است که شاه باین مؤسسه علاقه داشت، بارها بدانجا رفت و شاگردان را - ولو بظاهر هم بود - امتحان کرد و جایزه و نشان و پاداش داد تا بآن حد که «نیرالملک و ادیب الدوله نقل میکردند، نمیشد شاه سوار شود و سری بمدرسه نزنند، با طاقها نرود، تشویق نکند و انعام ندهد...» اما در آن توجه و عنایت شاه، دست دیگری هم در کار بود. قدرتی که امیر کبیر را از میان برد میدانست که اگر مدرسه درست در کشوری باز شود و شاگردان فهمیده و روشن، از آن بیرون آیند نمیتوان آن کشور را مستعمره یا نیمه مستعمره گردانید چنانکه این مطلب در کشور ژاپن بازتابش رسید و ثابت گردید. برای بی اثر گذاردن مدرسه دوراه انتخاب شد یکی آوردن افسران شورشی ایتالیائی در مقابل معلمین اطریشی که از همان روز اول ایتالیائیها مانع انجام کار صحیح اطریشیها بشوند.^۲ و آنچه احتیاطی که امیر درباره ملیت و نظرات سیاسی معلمین دارالفنون داشت درست بعکس شود. دیگر توأم کردن سیاست باتدریس و یا بعبارت واضحتر ترسانیدن شاه از مدرسه و اهل مدرسه. این کار به ملکم واگذار شد و او با تشکیل حلقه‌های

۱- مأخوذ از مقالات آقای محیط طباطبائی ۲- خاطرات و خطرات ج ۱ ص ۷۵

۳- جالب دقت است که کلنل مطراتسو ایتالیائی برای تعلیم سربازان بدولت ایران تحمیل شده بود ولی و... محض شوق بخدمتگزاری این دولت علیه بعهده خود گرفته سی نفر شاگردان پیاده نظام را با آجودانهای اقواج در مدرسه درس [میگفت] «...» یعنی برخلاف قرارداد و خود سرانه راهی بتعلیمات مدرسه باز کرده بود. وقایع اتفاقیه نمره نود و هشتم پنجشنبه پنجم

ماه ربیع الاول ۱۲۶۹ ص ۱

فراهاسونی و تلقین فکر جمهوری بخوبی توانست وظیفه و مأموریت خود را انجام دهد. اثر این کار بقدری شدید بود که دیگر شاه «... اسم مدرسه را با انزجار می شنید و بحفظ صورتی قانع بود...»^۱ و چون علیقلی خان مخبرالدوله را بجای علیقلی میرزای اعتضاد السلطنه به «وزارت علوم» گذاشت باو گفت: «... وزارت علوم را باید اداره کنی اما از آن کتابها نخوانند...»^۲ و مراد از آن کتابها تاریخ انقلاب کبیر فرانسه بود. بالنتیجه مدرسه بصورت محوطه‌ای درآمد که مشتی شاهزاده و خان زاده و آقازاده‌ها در آن جمع کرده بودند و بایشان درس میدادند تا درآینده نوکر باسوادی باشند نه کسی که احتیاجات علمی و فنی مملکت را باید مرتفع سازد و کشور را پای کشورهای دیگر جلو ببرد. در مدت هفت سال عده شاگردان مدرسه چندان از صد نفر بالا نرفت و در برنامه کار آن تغییری پیدا نشد.

بهیچیک از فارغ التحصیلان دارالفنون و اروپا رفتگان آن دوره کاری متناسب با تخصصشان رجوع نکردند و در حقیقت همه را عاطل و باطل گذاشتند. هر کس دست و پا و پشتیبانی داشت بمختصر کاری رسید و بقیه عمر را بسختی گذرانیدند. عبدالرسول خان اصفهانی بهترین محصل ریاضی مدرسه پس از چند سال اقامت و تحصیل در پاریس آخر بحکومت ملایر و تویسرکان راضی و بآن مأهور گشت. میرزا محمود منجم قمی پس از آنکه چند سال در رصدخانه پاریس کار کرد عاقبت در تلگرافخانه شغلی باو رجوع شد و در آخر هم بکارگزاری فلان شهر راضی گشت. میرزا علینقی پس از طی درجه دکتری و بازگشت بایران پیشخدمت مخصوص شد. خلاصه آنکه چون نقشه تأسیس مدرسه را از منظور اولیه بانی آن منحرف ساختند و بجای تربیت اهل علم کارخانه نوکر سازی ایجاد نمودند همه کوشش‌ها و رنجها و نیروها تباه گردید و در اواخر کار مدرسه بجائی کشید که چون موجود جامدی هیچگونه تغییر و اصلاحی را نمی پذیرفت زیرا در مدت

۱- خاطرات و خطرات ج ۱ ص ۷۵ - ۲- همان مرجع

پنج‌جاه سال ریاست و نظامت و معلمی آن بتوارث در چند خانواده طهران دورمیزد و شاید اگر درست در احصائیه‌ها دقت شود شاگردان آن نیز يك قسمت، همیشه مربوط بخانواده‌های معینی بودند. این امر وقتی با فکر نوگری توأم شد جنبه منفی و زیان بخش تخصص را پیش می آورد.

بیانیه دولت ناصری^۱. قدم اول در راه خفیف کردن مدرسه و مشکل ساختن کار تحصیل، اندکی پس از امتحانات دوره اول یعنی در سال ۱۲۷۶ برداشته شد. پس از آنکه برخی از شاگردان مدرسه گواهی نامه گرفتند و عده‌ای از ایشان را با اروپا فرستادند گویا از طرف مردم تمایل زیادی نسبت بمدرسه ابراز شد. در مقابل فزونی علاقه مردم، علاقه دولت بمدرسه کم شد و درصدد برآمد که جلو توقع افراد را بگیرد.

از این رو در تاریخ ۱۹ جمادی الثانیه ۱۲۷۶ بیانیه تبلیغاتی بالا بلندی در شماره ۴۵۸ روزنامه وقایع اتفاقیه از طرف دولت بدین شرح انتشار یافت: «چون همواره پیشنهاد خاطر خطیر اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه بتربیت و ترقی اهالی دولت ابد مدت علیه است و اسباب ترقی هر دولت در اول انتشار علوم مفیده و صنایع بدیعه بوده است، چنان خواستند که علوم و صنایع متداوله دول اروپا که حقیقتاً بیشتر آنها در ازمنه سابقه خاصه ایران بوده و از جهت عدم اعتنا و اهتمام ملوک و سلاطین رفته رفته منسوخ شده و از میان رفته باز در مقام اصلی و جای حقیقی خود دایر و منتشر گردد و مقرر داشتند تا معلمین فاضل و استادان ماهر در همه علوم و صنایع از فرنگستان حاضر ساختند و برای تعلیم و تعلم در ارگ دارالخلافه مدرسه مبارکه دارالفنون را که مجمع علوم و معدن صنایع است بنا فرمودند. در بدایت حال چون هنوز اهل این مملکت بعلوم غریبه و صنایع عجیبه مأنوس نبودند بلکه پاره‌ای از علوم و صنایع گوشزد ایشان

۱- مأخوذ از مقالات آقای محیط طباطبائی ۲- بشرح ایضاً با مراجعه باصل سند یعنی روزنامه وقایع اتفاقیه